

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رمان کُردی کُرمانجی از آغاز تا سال ۲۰۱۰

حلیم یوسف

ترجمه‌ی: علی پاکسرشت

- نام کتاب: رمان کُردی کُرمائجی: از
آغاز تا سال ۲۰۱۰
- نوشته ی: حلیم یوسف
- ترجمه از کُردی کُرمائجی: علی پاکسرشت
- سال چاپ: ۱۳۹۶
- نوبت چاپ: اول
- شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
- طرح جلد: مجید باقری
- قیمت: ۷۰۰۰ تومان

ایمیل: penivis2016@gmail.com/تلفن: ۰۹۱۰۹۴۷۵۶۷۷/۵۶۸۹۰۱۵۶

- نام کتاب: رمان کُردی کُرمائجی: از آغاز تا سال ۲۰۱۰
- نوشته ی: حلیم یوسف
- ترجمه از کُردی کُرمائجی: علی پاکسرشت
- سال چاپ: ۱۳۹۶
- نوبت چاپ: اول
- شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
- طرح جلد: مجید باقری
- قیمت: ۷۰۰۰ تومان

فهرست

سخنی کوتاه	۶
بخش اول: نسل نامشروع	۸
رمان نویس های آغاز این مسیر (۱۹۸۰-۱۹۳۰)	۸
هاوار، ایستگاهی مهم	۱۱
رمان نویس های واسطه یا رمان نویس های "پل" از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰	۱۳
محمد اوزون، رمان نویس کرد یا سوارکار اسب چهارنعل تاز دولت ترک؟	۱۶
چند نکته کلی درباره رمان های محمد اوزون	۱۷
شفاف نمودن موضوع	۲۰
چرا محمد اوزون؟	۲۰
دروغ های یاشار کمال درباره محمد اوزون و رمان کردی	۲۴
رمان نویس های سال های ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۰	۲۹
ویژگی های این مرحله در پیشرفت رمان کردی	۳۹
رمان نویس های سال های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۰	۴۰
چند نتیجه کلی	۵۳
منابع بخش اول	۵۵
بخش دوم: سه مرحله رمان کردی/تداوم رمان کُرم‌انجی	۶۰
رمان کردی در کشورهای (عضو) شوروی سابق	۶۰
رمان های نویسندگان کرد کشورهای شوروی سابق عبارتند از	۶۲
رمان منطقه به‌دینان/بادینان	۶۶
۱-مرحله قبل از قیام	۶۷
۲-مرحله پس از قیام سال ۱۹۹۱	۶۷

..... حلیم یوسف

۳-مرحله قبل از سقوط مجسمه دیکتاتور عراق ۶۸

۴-مرحله پس از سقوط دیکتاتور عراق ۶۸

فهرست اسامی ۶۹

رمان کرمانجی در کردستان ایران ۷۵

رمان کردی-کردکی ۷۶

رمان کردکی(زازاکی) ۸۱

سخنی کوتاه

شاید باور نکنیم اما این واقعیت است که بارها با دوستانی صحبت کرده ام که این سوال را پرسیده اند: آیا کُردی کُرمَنجی نیز رمان دارد؟! در پاسخ بایستی گفت: بله کُردی کُرمَنجی نیز رمان دارد و جالب این که اولین رمان کُردی نیز به کُرمَنجی نوشته شده و در این کتاب با اسامی آنها از آغاز تا سال ۲۰۱۰ آشنا خواهید شد.

همه کردها می دانند که اکثریت کردها کُرمَنجی صحبت می کنند و در ایران نیز کردهای شمال استان آذربایجان غربی، خلخال، دماوند، رودبار و همه کردهای خراسان- که کم نیز نیستند- به کُرمَنجی صحبت می کنند اما در بسیاری از موارد حتی بسیاری از تحصیلکرده های کرد نیز از ادبیات شاخه های مختلف کُردی به ویژه کُرمَنجی مطلع نیستند. ناگفته نماند بسیاری از کُرمَنجی ها در ایران نیز حتی از وجود نوشتار برای کُرمَنجی بی خبرند چه برسد به وجود رمان. آشنا شدن با رمان کُردی و ترجمه کردن آنها به زبان های مختلف به ویژه فارسی می تواند گام بسیار مهمی باشد. وجود فهرست اسامی رمان های کُرمَنجی در این اثر می تواند برای مترجمان علاقمند رهگشا باشد.

ترجمه این اثر الزاما به معنای تایید همه تحلیل های نویسنده نیست. نویسنده یک رمان نویس است و چند رمان وی نیز از کُرمَنجی

به فارسی ترجمه شده‌اند. هدف بنده از ترجمه این اثر فقط ارائه لیست نام رمان‌های کرمانجی از آغاز تا سال ۲۰۱۰ و نام نویسندگان آنها است. عنوان اصلی رمان به کرمانجی، نام نویسنده، ناشر، سال نشر هم ترجمه شده و هم اصل آن آورده شده است تا اگر کسی بخواهد به دنبال اصل آن بگردد بتواند به راحتی آن را با نام اصلی جستجو کند. عناوین رمان‌ها تا حد ممکن لفظ به لفظ ترجمه شده است چون پس از خواندن هر رمان بهتر می‌توان به بار معنایی عنوان آن پی برد.

علی پاک سرشت

بخش اول: نسل نو

قایق رمان کُرمَنجی در میان امواج سیاست

سرآغاز و روشن ساختن چند نکته

منظورم از نسل نو نسلی است که در بین سال های ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۰ به نوشتن رمان، داستان و شعر کُرمَنجی پرداخت. این نسل نیازمند حامی و صاحب است. این حامی می تواند دولت باشد، یک نهاد باشد، یا یک طرف نیز صاحب امکانات اقتصادی باشد شاید هم خواننده باشد. برای این نسل که به نوشتن رمان کُردی-که موضوع این نوشته است-مشغول می باشد، آیا یکی از این "حامیان" وجود دارد یا نه؟

در این نوشته با آوردن مثال و توضیحات به دنبال پاسخ این سوال خواهیم بود.

رمان نویس های آغاز این مسیر (۱۹۸۰-۱۹۳۰)

وقتی به مسیر ادبی کُردی در یکصد سال اخیر نگاه می کنیم، اولین نکته ای که توجه انسان را جلب می کند، این است که این ادبیات به طور کلی از عمق سیاست درآمده و تا خرخره نیز در سیاست غرق شده است. منشا این پدیده در زمینه تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی ای قرار دارد که کردها و شرایطشان با

خود آورده بود. اگر به زندگی نامه و آثار رمان نویس های موسس این روند دقت کنیم، سه نام اصلی که در بین سال های ۱۹۳۰ تا ۱۹۸۰ مطرح می شوند، این افراد هستند:

عربه شَمو، رحیم قاضی و ابراهیم احمد.

عربه شمو: عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان بود(۱).

رحیم قاضی: عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان بود(۲).

ابراهیم احمد: یکی از رهبران حزب دموکرات کردستان عراق بود(۳).

شایان ذکر است که محتوای هر سه رمان نیز تا اندازه زیادی تحت تاثیر مشغله سیاسی آنها قرار دارد.

همان طور که می دانیم، اولین رمان کردی رمان "چوپان کرمانج‌ها" نوشته عربه شَمو است که بین سال های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۵ نوشته و منتشر شده است. وی به عنوان پدر رمان کردی نامیده می شود. (این رمان توسط ناهید اکبرزاده به فارسی ترجمه و توسط نشر عمو علوی منتشر شده است-مترجم).

پس از این مرحله، در بین سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰، در کردستان عراق، رمان "ژانی گهل(درد مردم)-در ایران به نام "درد اجتماع" با ترجمه محمد قاضی منتشر شده است. مترجم-(۴)، در کردستان ایران رمان "پیشمرگه" نوشته رحیم قاضی(۵) به عنوان رمان های آن دوره شناخته می شوند. همچنین رمان های علی رحمان

به نام های Xatê به معنای "خاته" (اسم زن و تغییر شکل یافته خاتون است) در سال ۱۹۵۹ و Gundê Mêrxasan (به معنای "روستای شجاع مردان") در سال ۱۹۶۸، (۶) و رمان حَجه جندی به نام Hewarî (به معنای "فریاد و کمک") در سال ۱۹۶۷ در آن سال‌ها در ایروان ارمنستان منتشر شدند.

نکات مشترک بین هر سه رمان Şivanê kurmanca (چوپان کرمَناج ها) Janî Gel (درد اجتماع)، (پیشمرگه) Pêşmerge و هر سه نویسندگان آنها این است که هم آثارشان از لحاظ محتوا تحت تاثیر سیاست قرار گرفته اند و هم خودشان در بالاترین رده سیاست قرار داشتند. به عبارت دیگر، رمان در زندگی آنها بیش از آن که یک برنامه ادبی باشد، مانند یک ابزار سیاسی مورد ارزیابی قرار می گرفت. همزمان با کارهای سیاسی خود دست به کار نوشتن رمان نیز می‌زدند. یعنی به صورتی که فکر و عقیده خود را در رمان به صورت مستقیم مطرح می کردند. در این چارچوب، شرایط حَجه جندی و علی عبدالرحمان متفاوت است. خانواده علی عبدالرحمن از شهر وان به قفقاز کوچ کرد. در آنجا در شهر ایروان ارمنستان رشته تربیت معلمی را به پایان برد. در جنگ جهانی دوم در ارتش سرخ سرباز بود. در شهر باکو نیز رشته آموزش را ادامه داد. در سال ۱۹۵۵ میلادی تا روز مرگ یعنی سال ۱۹۹۴ به عنوان سردبیر روزنامه "ریا ته‌زه" (راه تازه) کار کرد (۷).

چنین به نظر می رسد که بیشتر عمر خود را صرف روزنامه‌نگاری کرده است. حَجه جندی نیز که خانواده اش از سمت شهر قارص به

قفقاز کوچ کرده و در آنجا آموزش و لغت‌شناسی خوانده با کار روشنفکری و فرهنگی امرار معاش کرده است. از روزنامه‌نگاری تا کار در رادیو و حتی با کار آماده کردن الفبای کریل برای زبان کردی همراه بوده است. نکته مشترک بین این پنج آثار تاریخی این است که همه آنها پس از سال‌های ۱۹۷۰ میلادی با الفبای لاتینی منتشر شدند. با این که چاپ اول کتاب "چوپان کرمانج‌ها" با الفبای لاتینی منتشر شده بود (۹)، اما با الفبای (لاتینی) کردهای شوروی سابق چاپ شده بود که با الفبای لاتینی کنونی ما کمی متفاوت بود.

در آن سال‌ها دیگر رمان‌های عربی شمو نیز منتشر شدند که عبارتند از:

1- Jiyana bextewer (1959) (زندگی خوشبخت)

2- Dimdim (1966) (قلعه دم‌دم)

3- Hopo (1969) (هوپو)

هاوار، ایستگاهی مهم

انتشار مجله "هاوار" (فریاد) مهم‌ترین رخداد در تاریخ کردی کرمانجی است که از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۵ چاپ می‌شد. میرجلادت علی بدرخان و دیگر نویسندگان این مجله، رهبران و فعالان سیاسی کرد بودند و پس از شکست قیام‌های کردستان ترکیه به کردستان سوریه روی آوردند. آنها در آنجا نیز پیشقراول جنبش سیاسی شدند و به ویژه عثمان صبری و نورالدین زازا که رهبری سیاسی کردهای سوریه را بر عهده داشتند. آنها گاهی نیز از کردستان سوریه به هدایت

جنبش سیاسی و نظامی کردستان ترکیه می پرداختند. به عنوان مثال، پس از شکست قیام شیخ سعید پیران در سال ۱۹۲۵ به هر شیوه‌ای تلاش کردند تا در قیام ۱۹۳۰ آرا‌رات به رهبری احسان نوری پاشا شرکت کنند.

در این چارچوب، سازمان خویبون (۱۹۴۷-۱۹۲۷) به دست روشنفکران تأسیس شد. پس از شکست تلاش‌های سیاسی آنها، کار ادبی و فرهنگی را شروع کردند. برای بعضی از آنها نیز این شیوه کار ادبی ادامه کار سیاسی بود. بدین ترتیب، ادبیات کرم‌انجی با شعر و داستان‌های خود، متون و سرگذشت‌های خود، با زبان و الفبای خود به دست‌آندسته از روشنفکرانی که از میدان سیاست آمده بودند، مطرح شد. چنین به نظر می‌رسد که نه فقط رمان بلکه ادبیات کردی در مجموع به ویژه ادبیات کرم‌انجی یکی از آثار سیاستمداران کرد و سیاست‌کردی بود. تا پایان این مرحله نیز، ادبیات کرم‌انجی همانند پرنده‌ای بال‌شکسته از ضربات بود که به سختی از مرگ نجات می‌یافت. بله، نجات می‌یافت، اما چون این نجات در میدان سیاسی بود نه در میدان ادبی، این ادبیات هم ضعیف ماند و هم از بهره‌گرفتن از پیشرفت‌های تکنیکی مرتبط با شکل و بافتن که در ادبیات جهانی مطرح ده بود، محروم ماند.

می‌توان گفت که سیاست‌نقشی دوطرفه ایفا نمود. از طرفی، نقشی مثبت بود که در حفظ و ایجاد الفبا و نوشتن آثار موثر شد. بعد منفی آن نیز این است که ادبیات کردی اسیر موضوعات سیاسی شد و به آن به دیده ابزاری سیاسی نگریسته می‌شد نه به دیده ادبی و

هنری. نبود متخصصان ادبیات کردی، یعنی کسانی که کار سازمانی و سیاسی روزانه انجام ندهند، به جنبه هنری آثار ابدی کردی ضربات بزرگی را وارد نمود. این تاثیر در سال های هشتاد قرن بیستم نیز متوقف نشد. نقش سیاست روز به روز بیشتر شد اما شکل و رنگ خود را تغییر داد. برای این که این تحلیل روشن تر گردد، بایستی این روند را به ویژه در حوزه رمان پی گرفت.

رمان نویس های واسطه یا رمان نویس های "پُل" از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰.

در اینجا چند رمان این مرحله را براساس سال انتشار مطرح می کنیم :

- Romana Kurdê rêwî ya Sîhîdê Îbo-1979.

-رمان "کرد رهگذر" نوشته ی سهیده ایبو، چاپ ۱۹۷۹

- Romana Xanê ya Birîndar – 1982.

-رمان "خانه"(اسم زن و تغییر یافته "خانم" است)، نوشته ی

بریندار، چاپ ۱۹۸۲.

- Romana Soro ya Birîndar - 1983.

-رمان "سورو"(آقای قرمز-اسم مرد است)، نوشته ی بریندار،

چاپ ۱۹۸۳.

- Romana Pala bêşop ya Xemgînê Temê – 1983.

-رمان "پالا بَشوپ"(سربالایی بی رد و اثر)، نوشته ی غمگینه

تَمه، چاپ ۱۹۸۳.

- Romana Hêlîn ya Mahmûd Baksî – 1984.

- رمان "هلین" (آشیانه)، نوشته ی محمود باکسی، چاپ ۱۹۸۴.
- Romana 'Tu ya Mehmed Uzun – 1984.
- رمان "تو" (هیچ)، نوشته ی محمد اوزون، چاپ ۱۹۸۴.
- Romana Dê û Dêmarî ya Egîdê Xudo – 1986.
- رمان "د و دِماری" (مادر و نامادری)، نوشته ی عگیده خودو،
چاپ ۱۹۸۶. (این رمان توسط ناهید ملایی و بهنام شیخکانلوی میلان
به فارسی ترجمه شده و نشر پنیس آن را منتشر کرده است-مترجم).
- Romana Stokholmê te çi dîtiye bêje ya Bavê
Nazê -1987.
- رمان "استکهلم ته چ دیتییه بژه" (ای استکهلم، چه دیده ای
بگو)، نوشته ی باوه نازه، چاپ ۱۹۸۷.
- Romana Wendabûn ya Şahîne Soreklî –
1987.(10)
- رمان "وندابون" (گم شدن)، نوشته ی شاهین سورکلی، چاپ
۱۹۸۷ (۱۰)
- Romana Zeviyên Soro ya Nûrî Şemdîn – 1988.
- رمان "زَوِیین سورو" (مزارع سورو)، نوشته ی نوری شمیدین،
چاپ ۱۹۸۸، نام واقعی نویسنده ناجی کوتلای است.
- این ده رمان نمونه‌ایی از آن دوره هستند. در بین این
نویسندگان، بعضی ها فقط یک رمان نوشتند و کار را متوقف کردند،
می توان از نوری شمیدین نام برد. بعضی نیز کار خود را ادامه دادند و
تعداد رمان های خود را بیشتر کردند و تا هفت رمان نیز نوشتند،
می توان محمد اوزون را ذکر کرد. بعضی دیگر نیز در کنار نوشتن
داستان، به نوشتن رمان نیز ادامه دادند، مانند باوه نازه و شاهین

سورکلی. در این مرحله، برای شناختن پیش‌زمینه سیاسی رمان کرمانجی، ناچاریم از کودتای نظامی ترکیه در سال ۱۹۸۰ شروع کنیم. در نتیجه آن، بیشتر و یا همه سیاستمداران کرد که اخیراً به عنوان نویسنده شناخته شدند، به اروپای اسکاندیناوی روی آوردند. آنها در آنجا به خاطر از بین رفتن احزاب و سازمان‌ها سیاسی خود، به کلی به حوزه ادبیات روی آوردند.

در کردستان سوریه نیز به ویژه با آغاز جنگ مسلحانه بعضی از سازمان‌ها و احزاب از بین رفتند و نماندند، تعدادی نیز گسترش یافتند. در این آشوب سیاسی، بیشتر این سیاستمداران قبلی کردستان ترکیه که اکنون نویسنده هستند، در سوئد مستقر شدند و به کمک قوانینی که در این کشور راه را برای زبان مادری برای پناهنده‌ها باز می‌کند، از این فرصت‌ها برای زبان خود استفاده نمودند. بدین ترتیب، بجز شوروی سابق پنجره‌ای دیگر نیز به روی این زبان باز شد، آن آب رمان کردی که در ارمنستان جمع شده و زیر یخ قفقاز سرد مانده بود، در سوئد و اروپا برای خود جویی تازه دید و باز هم آن روند به دست اسامی‌ای که ذکر کردیم به راه افتاد. در این بلبشوی سیاسی و با داغ شدن جنگ دشوار، با بلند شدن صدای کلاشینکف، تانک، توپ و هواپیماهای جنگنده و با افزایش قربانیان کردها، از میدان ادبی دیگر صدایی نمی‌آمد.

ناگهان، در رسانه‌ها و مطبوعات ترک‌ها و حتی کردها هر زمان که از ادبیات کردی و یا رمان کردی بحث می‌شد، فقط نام محمد اوزون به میدان می‌آمد. چه باعث شد که نویسندگی زبان کردی،

ادبیات و رمان کُردی فقط در نام محمد اوزون خلاصه شد؟ چگونه و چرا شرایطی به دور از واقعیت به میدان آمد، از طریق توضیحات زیرین، تلاش خواهیم کرد تا به اساس و پایه این توصیه غلط بپردازیم که رمان کُردی را در آن محدود کرده بودند. بدون شک، منشا این کار نیز سیاست بود.

محمد اوزون، رمان نویس کرد یا سوارکار اسب چهارنعل تاز دولت ترکیه؟

پس از شکست قیام ملامصطفی بارزانی، جنبش کرد در ترکیه نیز به سازماندهی و حرکت پرداخت. هر چند که آغاز این کار در صف چپگرایان ترک صورت گرفت، اما باز هم در عرض چهار یا پنج سال، دهها سازمان و حزب کرد تاسیس شدند. در بین این سازمان ها، به هر ترتیبی جنگ، درگیری و اختلافات بزرگی وجود داشت. اما همه آنها در یک نقطه به هم می رسیدند و آن هم بکاربردن زبان ترکی بود. در کردستان ترکیه، زبان سیاست کردها نیز از آغاز تاکنون ترکی بوده است. در سمت دیگر مرز، یعنی در کردستان سوریه نیز که کُرمناجی زبان هستند، وضعیت سازمان های سیاسی کرد کمی متفاوت بود، اما زبان نوشتاری سیاست کرد در همه سازمان های کرد عربی بود. از توقف مجله "هاوار" تا سال ۱۹۶۸ که جگرخون مجله "گلستان" را منتشر کرد حتی یک بیانیه هم به کُردی منتشر نشد. یعنی زبان سیاست کُرمناجی زبان های هر دو سمت مرز کُرمناجی نبود.

با فرا رسیدن سال ۱۹۸۰ و کودتای نظامی، مسیر و سرنوشت این سیاستمدارانی که این اواخر رمان نویس و نویسنده شدند نیز کم‌کم مشخص می‌شد. تعدادی از آنها قبل از این دوره و تعدادی نیز پس از این دوره راهی کردستان سوریه شدند و از آنجا نیز به کشورهای اسکاندیناوی رفتند. خیلی از آنها در زندان‌های دولت ترکیه مانده بودند و سابقه سیاسی شکست خورده در کارنامه خود داشتند.

این چه دستاوردی داشت؟ این توضیح مختصر با رمان کرمانجی چه ارتباطی دارد؟ به پاسخ این سوالات خواهیم پرداخت. در طی سال‌ها به ویژه پس از دهه ۹۰ میلادی قرن بیستم، در ترکیه، در نمای رمان و ادبیات کرمانجی فقط محمد اوزون معرفی شد. از رمان کردی نه تاریخ ماند و نه نمایندگان زبان و ادبیات کردی ماندند. بجز چند نام "مرده"، نه کسی قبل از محمد اوزون وجود داشت و نه کسی بعد از او وجود داشت! این شرایط چگونه به میدان آمد؟ آیا شرایط واقعی چنان بود؟ آیا وضعیت واقعی با اصرار مخفی می‌شد؟

چند نکته کلی درباره رمان‌های محمد اوزون:

محمد اوزون هفت رمان کردی کرمانجی از خود برجای گذاشت.

1. Tu - Dengê Komal- 1984

- "هیچ"، انتشارات "دنگ کومل" (صدای جامعه)، سال ۱۹۸۴

2. Rojek ji rojên Evdalê Zeynikê -Orfeus- 1987

- "روزی از روزهای عوداله زینکه"، نشر اورفوس، سال ۱۹۸۷

3. Mirina kalekî rind -Orfeus- 1989

- "مرگ یک پیرمرد زیبا"، نشر اورفوس، سال ۱۹۸۹

4. Siya evînê- Orfeus -1991

-سایه عشق، نشر اورفوس، سال ۱۹۹۱ (این رمان توسط جلال عثمانیان به فارسی ترجمه شده است-مترجم)

5. Bîra qederê -Sara-1995

-چاه سرنوشت، نشر سارا، سال ۱۹۹۵ (این رمان توسط جلال عثمانیان به فارسی ترجمه و در نشر عموعلوی منتشر شده است-مترجم)

6. Ronî mîna evînê, tarî mîna mirinê -Avesta-
1998

-روشن مانند عشق، تاریک مانند مرگ، نشر اوستا، سال ۱۹۹۸

7. Hawara Dîcleyê -Avesta- 2001-2003, du cild.

-فریاد دجله، نشر اوستا، سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳، دو جلدی.

در بین نسل سیاستمداران او بیشترین توجه را به ابعاد نویسندگی خود داد و بیشترین تعداد رمان ها را نیز دارد. بیشترین رمان های آن نیز بیوگرافیک هستند یعنی زندگی شخصیت های شناخته شده تاریخ کردها هستند. مانند جلادت بدرخان، ممدوح سلیم بیگ، عوداله زینکه ترانه سرا و امثالهم.

همان طور که می دانیم، این شیوه رمان نویسی یعنی نوشتن درباره زندگینامه شخصیت های تاریخی و مشهور آسان ترین شیوه است. یکی این که چنین شخصیتی در بین مردم خیلی محبوب و مشهور است و همه کنجکاو هستند تا زندگی آن را بدانند. در بین مردم، قبل از این که درباره این شخصیت ها نوشته شود، خوانندگان

این رمان ها آماده هستند. نام افرادی مانند جلادت بدرخان، یا عوداله زینکی به تنهایی می تواند به یک رمان تبدیل شود.

دلیل دیگر نیز این است که مطالب خام و ابزارهای لازم در دست نویسندگان آماده هستند. می توان پس از تحقیقی کوچک اطلاعات و آگاهی های لازم درباره تار و پود رمان مورد نظر دست پیدا کرد. یعنی موضوع و ابزارها آماده هستند و نویسندگان به آسانی می تواند آنها را کنار هم قرار داده و رمانی قطور بنویسد .

وقتی این رمان ها را با دقت می خوانیم، با خیلی راحت با دهها اشتباه و کمبودهای مرتبط با محتوای رمان، همچنین اشتباهات بزرگ در شیوه بافتن تار و پود این رمان های سست و طولانی شده و از هم کش داده شده مواجه می شویم.

اما تا زمانی که به پس زمینه سیاسی موضوع دقت نکنیم، نمی توان به پاسخی روشن برای این سوالات مطرح شده در بالا دست پیدا کرد. این پس زمینه سیاسی خودش را هم به شخصیت محمد اوزون و ویژگی های فردگرایانه و مواضع وی مرتبط می سازد و همچنین به پروژه طولانی مدت دولت ترکیه و تاثیر دولت در ایجاد ذهنیت سیاسی کردها. به شیوه ای که جنبش سیاسی کردها به ویژه در مورد زبان و ادبیات به یک کپی از ذهنیت دولت ترکیه تبدیل می شود که علیه آن می جنگد.

شفاف نمودن موضوع

در سال ۱۹۹۱ دولت ترکیه وجود کردها را به صورتی "نمایشی" قبول کرد. این سریال از آنجا شروع شد و چنین ادامه یافت:

- کردها وجود دارند اما زبان آنها وجود ندارد،

- زبان آنها نیز وجود دارد، اما لهجه است نه زبان نوشتاری،

- زبان نوشتاری نیز دارند اما به دوره عثمانیان تعلق دارد و چند اثر کلاسیک دارند که آن آثار کلاسیک نیز مال ماست و به "ترکیه" تعلق دارند. "اخیرا نخست وزیر و رئیس جمهور ترکیه نیز ادعا کردند احمد خانی مال آنهاست."

- به خاطر ادامه جنگ، در این دوره مذکور، به این مرحله رسیدند که بگویند زبان و ادبیات مکتوب نیز دارند اما باز هم می توانند این رمان های معاصر خود را به زبان دولت بخوانند و نمونه این رمان و ادبیات مدرن نیز محمد اوزون است که "به همه ترکیه تعلق دارد."

چرا محمد اوزون؟

بدون شک، داشتن آثار و صاحب رمان شدن و ادامه نوشتن آن یکی از فاکتورهاست. اگر این موضوع به رمان کردی محدود می شد و راه استفاده از وی برای پروژه دولت ترکیه گرفته می شد، اکنون ما نیز ارزیابی های ما از وی، مواضعش و پیشینه سیاسی اش به صورتی دیگر می بود. در آن سال های "سخت" دولت ترکیه که جنگ گسترش می یافت، همزمان جنبش سیاسی نیز گسترش می یافت. از طرف دیگر، اوضاع سیاسی جهان تغییر یافت، ترکیه نیز سخت تلاش کرد تا

وارد اتحادیه اروپا شود و دولت می خواست به هر شیوه ای خود را به معیارهای "اروپایی" نزدیک سازد. به خاطر مرتبط شدن منافع اقتصادی، دولت توانست در اتحادیه اروپا نیز فعالیت سیاسی کردها را تروریستی بقبولاند و معرفی نماید. دیگر کرد بودن جرم نبود. به جای آن، داشتن ارتباط با فعالان سیاسی کردها جرم بود. یعنی فرد می توانست کرد باشد، به کردی حرف بزند، به کردی بنویسد اما دشمنی و مخالفت با فعالیت سیاسی کردی شرط اصلی بود.

از این رو، دولت ترکیه این موضوع را برای خود هدف قرار داد که روشنفکران و نویسندگانی "را بدست بیاورند که با فعالیت سیاسی کردی ارتباطی نداشته باشند و یا مخالف آن باشند. نکته مهم این بود، به همین خاطر نیز، اگر این اطرافیان از بین زندانیان سابق سیاسی باشند و یا باقیمانده های سازمان ها و احزاب کوچک مانده و یا ضعیف شده باشند باز هم جای غم و نگرانی وجود نداشت.

بدین ترتیب، نویسندگان، روشنفکران، مطبوعات و دستگاههای ترکیه به راه افتادند. یکی از ویژگی های جالب این دولت آنست که برعلیه کردها، همه جناح ها، گرایش های ملی ترک از چپ و راست، از ژنرال تا غیرنظامی، با دستگاهها و مطبوعات خود، با نویسندگان و روشنفکران خود وارد حرکتی هماهنگ می شوند. همه برای این هدف "مقدس" و جلوگیری از کردها یکدست، یک زبان و یک فکر می شوند.

آنها برای تقویت جبهه کُردی ضد "جنبش ترور" به دنبال حلقه های ضعیف گشتند. یکی از آن حلقه هایی که دولت به آن نیاز داشت را می توانست خیلی آسان در بین کردهای سوئد پیدا کند. از نظر اطرافیان دولت ترکیه، بهترین نویسنده ای که این لباس سفید به تن و قدش می آمد، "محمدچیک" اوزون("محمد چیک" به سرباز ارتش ترکیه اطلاق می شود-مترجم) بود. هم نویسنده ای واقعا صاحب اثر بود و هم در بحبوحه جنگ علیه "جنبش ترور" برای ابراز دلسوزی با دولت از سوئد به راه افتاد و آمد و برای ارتش ترک "محمدچیک" یعنی خدمت سربازی کرد(۱۱). عضو یک سازمان شکست خورده و در حال انحلال به نام "رزگاری" آمده بود که به هر شیوه ای مخالف "جنبش ترور" بود(۱۲).

هر چند هم وی از همه رمان نویس های کرد زرتنگ تر و فعالتر و صاحب آثار باشد، اما باز هم لازم بود اطرافیان دولت او را با پوششی معقول و قابل باور وارد این دروازه بزرگ ادبی همه ترکیه کنند. لازم بود اتحادیه نویسندگان ترک از او استقبال نماید، به او جایزه بدهد و جایزه نیز گرفت. لازم بود رمان های وی به ترکی ترجمه شده و در انتشاراتی های بزرگ ترکیه چاپ و منتشر می شدند و چنین نیز شد. لازم بود برای جلب توجه رسانه های ترکیه و جهان و به زبان های مختلف نشان داده می شد که وی به همه ترکیه تعلق دارد و ضد ترور می باشد و برای این که نشان بدهد ترکیه یک کشور نزدیک به معیارهای اتحادیه اروپاست، لازم بود این موضوع را بهتر مطرح نماید و

به اروپایی ها نشان داده شود و از زبان یک کرد گفته شود که ترکیه کشوری است که جای آزادی فکر و بیان به کردی و ... می باشد .

اکنون به چند نکته از مواضع محمد اوزون می پردازیم که در تاریخ ۲۰۰۲/۰۴/۱۹ برای دادگاه امنیتی ترکیه مطرح نمود:

"وظیفه من ایجاد جدایی طلبی نیست، وظیفه من ایجاد اتحاد است. برای من موضوع اساسی تجزیه نیست بلکه ایجاد اتحاد است. من تجزیه طلبی را نه تنها همانند حماقت می بینم، بلکه به عنوان یک فکر خطرناک نیز می بینم"(۱۳).

"من نه برای ایجاد جدایی بلکه برای غنی نمودن آنچه هست می نویسم"(۱۴).

"من از حقوق اقلیت ترک در بلغارستان دفاع کردم و برای حقوق آنها هر کاری از دستم برآمد انجام دادم...(۱۵).

او می خواهد خود را "به ترکیه ای مسلط، مرفه و دموکراتیک" برساند(۱۶). همچنین، وی می بیند که مدتی زیادی از موفقیت ترکیه در راه دفاع از وجدان انسانی می گذرد و می گوید:

"ترکیه از خیلی وقت پیش در مسیر عطف و وجدان انسانی قرار گرفته است..."(۱۷). این نمونه از دهها نمونه به ویژه در مصاحبه های محمد اوزون با روزنامه های ترک می باشد که به عنوان نویسنده ای معرفی می شود که به خیلی از زبان ها می نویسد و یکی از آن زبان ها نیز کردی است و آن گونه نیز درباره "ادغام کردن" کردهای ترکیه حرف می زند! این یک طرف قضیه است و طرف دیگر نیز، خود را به عنوان خالق یک زبان معرفی می نماید. وقتی برای

حرف خود مبنی بر "من یک زبان خلق کردم" در تنگنا قرار می‌گرفت، منظور خود را نه زبان کُردی بلکه زبان رمان بیان می‌کرد. بدین ترتیب، راه را بر نویسندگان و روشنفکران ترک باز می‌کرد تا آن نادانی و نبود آگاهی آنها درباره زبان و ادبیات کُردی به دروغی تبدیل شده و در همه جا به عنوان واقعیت‌های تاریخی منتشر شوند. برای این که پروژه دولت نیز بدون شک و شبهه پیش برود، نیازمند ترجمه آن دروغ‌ها بود. نمونه بارز در این زمینه یاشار کمال است که همیشه در زمینه زبان و ادبیات کُردی و ترکیه محمد اوزون را به عنوان تنها ادیب کرد معرفی می‌کرد: "در ترکیه ادیبان زیادی آمدند. ناظم حکمت آمد، سعید فایق آمد. خیلی از افراد دیگر نیز آمدند اما در کُردی فقط محمد اوزون را دارند" (۱۸).

دروغ‌های یاشار کمال درباره محمد اوزون و رمان کُردی

یاشار کمال می‌گوید: "امروزه زبان کُردی با محمد اوزن شروع می‌شود" (۱۹).

در اینجا منظور از کلمه "زبان" هر چه باشد مهم نیست، منظور زبان کُردی باشد یا زبان رمان باشد، در هر دو معنا نیز گفته‌های وی از حقیقت دور هستند.

یاشار کمال همانند هر نویسنده‌ای دیگر، در بیان افکار و نظرات خود آزاد است. وی هر کسی را دوست دارد یا ندارد به خودش مربوط است. اما نه وی و نه هیچ نویسنده دیگری حق ندارند درباره زبان و رمان کُردی بدون اطلاعات و آگاهی اظهار نظر کنند. یاشار

کمال با این که کرد است اما نویسنده زبان ترکی است و کردی که خواندن و نوشتن به کردی را نداند حق ندارد نویسنده ای را بیاورد و وی را به اولین کسی تبدیل کند که زبان کردی با وی شروع شده باشد .

یاشار کمال نباید این دروغ بزرگ را به عنوان یک واقعیت تاریخی مطرح نماید. وی به این نیز بسنده نمی کند. طوری وانمود می کند که گویا از همه آثار رمان کردی باخبر است و باز هم به خود حق می دهد تا رمان محمد اوزون را به عنوان اولین رمان کردی و یا "رمان اول" معرفی نماید:

"وقتی رمان محمد اوزون را خواندم، متحیر شدم که چگونه در یک زبان اولین رمان این قدر پیشرفته، غنی و ماهرانه نوشته شده است..." (۲۰).

یاشار کمال و همراه با وی رسانه های ترکیه و کردهای سفید با همدیگر و همانند " یک گروه کر موسیقی" این دروغ را بارها تکرار کردند تا این که به یک باور مشترک برای خیلی از کردها نیز تبدیل شد. این موضوع تعدادی از نویسندگان نسل جدید را نیز تحت تاثیر قرار داد. به عنوان مثال، یعقوب تیلرمنی محمد اوزون را نفر اول ماراتن ادبیات کردی معرفی نمود که قبل و بعد از او کسی نیامده است:

"محمد اوزون در میدان ادبیات کردی تنها فرد اول ماراتن است که در مسابقه صد متر نه در کنارش، نه در پشت سر و نه جلوش کسی دیگر وجود ندارد" (۲۱).

یاشار کمال بر سر قبر محمد اوزون نیز همان دروغ را تکرار نمود:

"... (محمد اوزون) پایه و اساس زبان کردی را بنیان نهاده است" (۲۲).

این امواج دریای دروغین که به هر شیوه ای بر کردها تحمیل می شدند، دیگر به قایق های واقعیت اجازه نمی دادند که صدایشان به جایی برسد و همچنین راه را بر صداهایی می بست که قصد داشتند این تصویر اشتباه درباره ادبیات کردی را اصلاح نماید.

حتی انتقادهای جدی نویسندگانی مانند رمضان آلان به هر شکلی نادیده گرفته می شد و اطرافیان سیاسی ترک و اخیراً نیز کرد این انتقادات را هیچ به حساب می آوردند. گاهی از زبان محمد اوزون انتقاد می شد: "... او همیشه می گفت: "من برای رمان کردی زبانی جدید خلق کرده ام اما وی در اصل از مرز یک بازگویی داستانی خارجی نشده بود ... (۲۳). گاهی نیز این نقد ها توجه را به اشتباهات و غیرعادی بودن وضعیت ارائه آثار وی که در کردی ضعیف هستند اما در ترکی به شکلی دیگر معرفی می شدند:

"... یعنی کتابی است که در لذت ادبی رویهمرفته پنج کلمه ندارد را با نوشته های آ. عمر تورکش و محسن کزل کایا روسفید می کند، واقعیت این است که سازمانی در پیش روی ما قرار دارد که ما را با این نوشته ها آماده می کند..." (۲۴).

برعکس، پس از سال ۱۹۹۹ و تحولاتی که آغاز قرن بیست و یکم برای کردها برای خود به همراه آورد و محمد اوزون بیمار همانند

قهرمانی که موفقیت های زیادی را بدست آورده است، در سرزمین خود در شهر آمد(دیاربکر) مورد استقبال قرار گرفت و همه این دروغ هایی که در طی سال ها دولت و روشنفکران و کردهای دولت می خواستند به واقعیت تبدیل کنند و موفق نشدند، آن هدف کاملاً بدست آمد.

جالب است که بعضی از اطرافیان سیاست کردها با دولت و اطرافیان آن تلاش کردند تا نام محمد اوزون را تبرئه کنند و سعی نمودند تا بعضی از واقعیت ها را از حافظه کردها پاک کنند و علیه نوشته های ضد پروژه دولت در رسانه های خود سانسور کنند. به عنوان مثال، مجله W که از نشریات موسسه کردی آمد(دیاربکر) می باشد، و قبلاً نیز با کمک شهرداری آمد(دیاربکر) منتشر می شد، در شماره ۱۳ خود در پرونده محمد اوزون به قلم مهباد آ. آردا که این موضوع مورد بررسی ما را مورد انتقاد قرار می دهد سانسور کرد و آن را منتشر نکرد و در عوض، تعدادی از نوشته های مربوط به محمد اوزون را از ترکی ترجمه کرده و چاپ نمود. در این شماره ۴۸ تصویر از محمد اوزون منتشر شده بود. آردا در نوشته سانسور شده خود چنین نوشته بود:

"جناب محمد اوزون به مدت ده سال به نام نویسندگی از دولت سوئد پول گرفت تا روی ادبیات کردی کار کند. پس از ده سال، این موضوع به مدت ده سال دیگر یا مدتی کوتاهتر نیز می تواند تمدید شود. پس از آن که محمد اوزون متوجه شد دیگر به وی پول نخواهند داد، در آن زمان "فهرستی" منتشر شد مبنی بر این که سازمان های

کردی نام دویست نفر را در فهرست قرار داده تا به قتل برساند. در بین این "دویست نفر" فقط نام محمد اوزون مشخص شد و روی آن مانور دادند. وی خودش به رسانه های سوئدی و ترک می گفت: "نام من در فهرست قرار دارد" و در تلویزیون نیز می گفت: "رسانه های جمعی سوئد و ترک دروغ می گویند". همان مطلب را در روزنامه اوزگور پولیتیکا نیز نوشت.

آیا با مریض شدن محمد اوزون همه این اسناد گم یا فراموش شدند؟ (۲۵)

به این مثال بسنده می کنم و به ارزیابی های یاشار کمال خواهیم پرداخت که درباره مواضع و اقدامات محمد اوزون صورت گرفت و در زمان فوت محمد اوزون نیز می گفت:

"... این مرد در سیاست نیز ایستادگی کرده است. در سیاست نیز هیچ اشتباهی مرتکب نشده است و همیشه خشونت را مورد لعنت قرار داده است... (۲۶).

بدین ترتیب، آن همان تصویری بود که روی آن کار می شد تا همه قبول کنند. یاشار کمال تا آخر نقش خود را بازی کرد. پروژه از این پس ادامه یافت و "نامزدهای جدید" آماده می شوند. یعنی "پایه و اساس" رمان کردی پس از محمد اوزون آماده می شود. همزمان نیز کانال TRT6 باز شد و برای آن که این پروژه با موفقیت به پیش برود به یک سکوی گسترده تبدیل شد.

رمان نویس های سال های ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۰

قبل از هر چیز می خواهم تصویری سیاسی از مناطق کردنشین ترکیه و سوریه ارائه دهم. این تصویر در پنجره زبان، فرهنگ و ادبیات کردی نیز دیده می شود. در ترکیه در طی آن سال ها پیشرفت هایی تاریخی صورت گرفت. پیشرفت های دوره تورگوت اوزال و پس از رفع ممنوعیت زبان کردی به شکلی قابل توجه بود. هفته نامه "ولات" (میهن) در روز ۲۲ ماه ره شمه سال ۱۹۹۲ به کردی چاپ شد و با نام "ولاته مه" (میهن ما) و روزنامه "آزادیا ولات" (آزادی میهن) به عنوان اولین روزنامه در روز ۱۵ ماه گلاویژ سال ۲۰۰۶ انتشار خود را شروع کرد. نهادهای کردی مانند موسسات و مراکز فرهنگی ایجاد شدند. مجلاتی مانند "روشن"، "ژیانا روشن"، "روشن نامه" منتشر شدند و با انتشار مجله W ادامه یافت. همچنین در سال ۱۹۹۱ "روزنامه" نیز منتشر شد. این اولین روزنامه کاملاً به کردی بود. مجله "نوبهار" از سال ۱۹۹۲ به صورت سه ماهنامه منتشر می شود. تاکنون ۱۱۳ شماره آن چاپ شده اند.

مجله "پلین" (از جنس موج/از جنس برگ)، مجله "گلستان"، مجله "وار" (سرزمین) نیز منتشر شدند و متوقف شدند. مجله "بیر" (اندیشه) مجله "چروسک" (سوسو) نشر خود را ادامه می دهند. روزنامه "دم نو" (عصر نو) از آن سال ها منتشر می شود و هنوز هم وجود دارد. مجله "واته یی" که هر سال دو یا سه شماره آن منتشر می شود از سال ۱۹۹۷ منتشر می گردد. انتشاراتی های کردی کار نشر را آغاز کردند که در استانبول شروع و در آمد(دیاربکر) ادامه

یافت. جنبش زبان و آموزش کُردی یا همان T'ZP تاسیس شد و برای این که کُردی زبان آموزش شود کردها به میدان آمدند. در خارج نیز، اولین تلویزیون کُردی به صورت ماهواره ای در سال ۱۹۹۵ پخش خود را شروع کرد و به نام های مختلف کار خود را ادامه داد. همچنین تلویزیون KURD1 با برنامه های کاملاً به کُردی کار خود را آغاز نمود. بجز این جنبش نشر و رسانه های سازمان یافته، دهها مجله و روزنامه و فعالیت های زبان و فرهنگ کُردی وارد میدان شد. این یک طرف مسئله بود.

در سمت دیگر مرز، در سوریه، جنبش سیاسی روز به روز کوچک و پراکنده می شد. هر حزب کُردی به دو، سه و یا چهار حزب تبدیل شد. زبان کتبی سیاست آنها عربی بود اما در حوزه نشر مجلات کُردی پیشرفتی قابل توجه صورت گرفت اما این توسعه به تدریج جای خود را به خشکیدن و سست شدن داد. کُردی به صورت رسمی ممنوع مانده بود و کتب کُردی با کیفیتی بد و به صورت مخفیانه و با دشواری های زیاد چاپ و منتشر می شدند. با بالارفتن سطح جنگ، سطح آثار و فعالیت های ادبی کُردی از جمله رمان نیز وارد مرحله ای جدید شد و نشانه های خودسازی و پیشرفت در برابر چشمان شفاف شد.

نمی توان این مرحله را از مرحله قبل و بعد از آن کاملاً جدا نمود. بیشتر رمان نویس هایی که در آن سال ها وارد میدان شدند به ویژه در سال های آخر آن دوران، به صورتی فعال در تولید آثار مراحل پیش روی ما شرکت نمودند و آن گونه نیز ادامه می دهند. منظور ما

از این تقسیم بندی، معرفی و مشخص نمودن نقاط مشترک آن نسل های رمان نویس است که در پیشبرد روند رمان کردی شرکت کرده اند. قصد دارم در آغاز برای آشنایی، نام همه رمان نویس های آن دوره همراه با نام آثار و سال نشر آثار را براساس ترتیب زمانی آنها بیاورم:

1- Azad Ehmed (Bavê Şîhîn)

۱-آزاد احمد(پدر شیپین)

I. Yê Perîşan (Beyrût – 1991)

-پریشان ها، چاپ بیروت، سال ۱۹۹۱

II. Berxikê Kesk (Semakurd - 2008)

-بره کوچولوی سبز، نشر سما کرد، سال ۲۰۰۸

2- Medenî Ferho

۲-مدنی فرهو

I. Berxwedan Jiyan e (AbeCe, Belçîka-1994)

-مقاومت زندگیست، نشر آ.ب.ج. سال ۱۹۹۴

II. Mîrza Mihemed (Nûdem-1995)

-میرزا محمد، نشر نودم(عصر جدید)، سال ۱۹۹۵

III. Xaltîka Zeyno (Doz-1998)

-خاله زینو(زینب)، نشر دوز(خواسته)، سال ۱۹۹۸

IV. Marê di Tûr de (Pêrî-1999)

-مار در کوله پشتی، نشر پری، سال ۲۰۰۱

V. Xewnên Pînekirî (Pêrî-2001)

-خواب و رویای پینه شده، نشر پری، سال ۲۰۰۱

VI. Dora Bacinê Bidar e (Tevn-2007)

-اطراف باجن درخت دارد، نشر تون(دار قالی)، سال ۲۰۰۷

VII.Çîroka me(Do-2009)

-قصه ما، نشر دو(دیروز)، سال ۲۰۰۹

3- Bûbê Eser

-بویه اسر

I. Gardiyan (Roja Nû- 1994)

-پاسبان، نشر روزا نو(روز نو)، سال ۱۹۹۴

II. Jiyanek (Bajar- 2004)

-یک زندگی، نشر باژار(شهر)، سال ۲۰۰۴

4 - Hesenê Metê

۴-حسن مته

I. Labîrenta Cinan (Welat- 1994)

-هزارتوی اجنه، نشر ولات(میهن)، سال ۱۹۹۴ (این رمان توسط

جمال مشمایی به فارسی ترجمه شده است - مترجم).

II. Tofan (Apec- 2000)

-توفان، نشر آپچ، سال ۲۰۰۰

III.Gotinên Gunehkar (Avesta- 2007)

-حرف های گناهکار، نشر اوستا، سال ۲۰۰۷

5- Xurşîd Mîrzengî

۵-خورشید میرزنگی

I. Sînor (Jîndan-1995)

-مرز، نشر ژیندان(محل زندگی)، سال ۱۹۹۵

II. Ristemê Zal (Rewşen- 1999)

-رستم زال، نشر روشن، سال ۱۹۹۹

III.Belqitî (Komal- 2004)

-گور به گور شده، نشر کومل (جامعه)، سال ۲۰۰۴

6- Mihemed Dehsiwar

۶-محمد ده سوار

I. Çirîskên Rizgariyê (Newroz-1995)

-جرقه های آزادی، نشر نوروز، سال ۱۹۹۵

7- Îhsan Colemanêrgî

۷-احسان جولمرگی

I. Cembelî Kurê Mîrê Hekarya (Apec-1995)

-جنبلی پسر امیر امارت حکاری، نشر آپج، سال ۱۹۹۵

8- Silêman Demîr

۸-سلیمان دمیر

I. Sorê Gulê(Nûdem-1997)

-خانم قرمزه خانم گل، نشر نودم، سال ۱۹۹۷

II. Koç (Roja Nû-1998)

-کوچ، نشر روژا نو(روز نو)، سال ۱۹۹۸

III. Piştî Bîst Salan (Doz-2007)

-پس از بیست سال، نشر دوز(خواسته)، سال ۲۰۰۷

IV. Kassandra (Avesta- 2010)

-کاساندرا، نشر اوستا، سال ۲۰۱۰

9- Mustafa Aydogan

۹-مصطفی آیدوغان

I. Pêlên Bêrîkirinê (Nûdem- 1997)

-امواج دلتنگی، نشر نودم، سال ۱۹۹۹

10- M. Beşîr

۱۰-م. بشیر

I. Sofî Remo (Medya-1999)

صوفی رمو(رمضان)، نشر مديا، سال ۱۹۹۹

11- Lokman Polat

۱۱-لقمان پولات

I. Kewa Marî (Helwest-1999)

-کبک ماری، نشر هلوست، سال ۱۹۹۹

II. Fîlozof (Helwest-2002)

-فیلسوف، نشر هلوست(موضع)، سال ۲۰۰۲

III. Rojnamevan (Pêrî-2002)

-روزنامه نگار، نشر پری، سال ۲۰۰۲

IV. Robîn (Veng- 2004)

-روبین(روبین)، نشر ونگ(صدا)، سال ۲۰۰۴

V. Nûrheyata Lîcî (Doz- 2005)

-نورحیات لیجی، نشر دوز، سال ۲۰۰۵

VI. Kodnav Viyan (Helwest- 2006)

-نام رمز ویان(اراده)، نشر هلوست، سال ۲۰۰۸

VII.Parola Operasyonê (Helwest- 2008)

-رمز عملیات، نشر هلوست، سال ۲۰۰۸

12- Zeynel Abidîn

۱۲-زین العابدین

I. Binefşên Tariyê (Doz-1999)

-بنفشه های تاریکی، نشر دوز، سال ۱۹۹۹

II. Peyman-Girava Stêrkên Vemirî-(Evra Velag, Berlin-2003)

-پیمان-جزیره ستارگان خاموش، نشر اورا ورلاگ، سال ۲۰۰۳

III. Bigrî Heval (Evraverlag, Berlin-2007)

-گریه کن ای دوست، نشر اورا و رلاگ، برلین، سال ۲۰۰۷

IV. Kela Hawaran (weşanên Han, Berlîn-2009)

-قلعه فریادها، نشر هان (تشویق)، برلین، سال ۲۰۰۹

13- Îbrahîm Seydo Aydogan

۱۳- ابراهیم سیدو آیدوغان

I. Reş û Spî (Doz- 1999)

-سیاه و سفید، نشر دوز، سال ۱۹۹۹ (این اثر توسط مجید باقری

به فارسی ترجمه شده و در انتشارات عموعلوی چاپ شده است -
مترجم).

II. Leyla Fîgaro (Mîr- 2003)

لیلا فیگارو، نشر میر (امیر)، سال ۲۰۰۳

14- Fêrgîn Melîk Aykoç

۱۴- فرگین ملیک آیکوچ

I. Mamosteyê Zinaran (Rewşen-1999)

-معلم صخره سنگ ها، نشر روشن، سال ۱۹۹۹

II. Dîlên Li Ber Pûkê (Rewşen- 2002)

-اسرای مقابل پوکه، نشر روشن، سال ۲۰۰۲

III. Siya dema borî (Do - 2010)

-سیاه زمان گذشته، نشر دو (دیروز)، سال ۲۰۱۰

15- Laleş Qaso

۱۵- لالش قاسو

I. Sê Şev û Sê Roj (Nûdem-1999)

-سه شب و سه روز، نشر نودم، سال ۱۹۹۹

II. Wêran (Pelda-2002)

-ویران، نشر پلدا(موج/برگ داد)، سال ۲۰۰۲

III.Xezeba Azadiyê (Pelda- 2000)

-خشم آزادی، نشر پلدا، سال ۲۰۰۳

IV. Ronakbîr (Pelda- 2003)

-روشنفکر، نشر پلدا، سال ۲۰۰۳

V. Serok Altaxus (Pelda- 2006)

-رهبر آلتاخوس، نشر پلدا، سال ۲۰۰۶

16- Helîm Yûsiv

۱۶-حلیم یوسف

I. Sobarto (Avesta- 1999)

-سوبارتو، نشر اوستا، سال ۱۹۹۹

II. Tîrsa Bêdiran (Avesta- 2006)

-ترس بی دندان، نشر اوستا، سال ۲۰۰۶

III.Gava ku Masî Tî Dibin (Lîs- 2008)

-زمانی که ماهی ها تشنه می شوند، نشر لیس(خواب مرغ ها)،

سال ۲۰۰۸(این رمان توسط کاروان نهری به فارسی ترجمه شده و

توسط انتشارات عموعلوی چاپ شده است-مترجم).

17- Bavê Nazê

۱۷-باوه نازه

I. Çiyayên bi Xwînê Avdayî (1978-Weşanên
Komela Jinên Kurdistanê li Swêdê- 1989)

-کوههایی که با خون آبیاری شده اند، نشر جمعیت زنان

کردستان-سوئد، سال ۱۹۸۹

II. Stockholmê Te çi Dîtiye Bêje (Fortattores
Bokmaskin-1987)

-ای استکهلم، چه دیده ای بگو، نشر فورتاتورس بوکماسکین،

سال ۱۹۸۷

III. Dara Pelweşiyayî (Duhok-2000, Lîs- 2010)

-درختی که برگ هایش ریخته است، نشر دهوک، سال ۲۰۰۰ و

نشر لیس، سال ۲۰۱۰

IV. Miriyê Heram (Lîs-2009)

-مرده حرام، نشر لیس، سال ۲۰۰۹

18- Şahînê Bekirê Soreklî

۱۸-شاهین بکر سورکلی

I. Wendabûn (Institutya Kurdî Beşê Almanî-1987)

-گم شدن، موسسه کردی شاخه آلمان، سال ۱۹۸۷

II. Veger (Yekîtiya Nivîskarên kurd li Duhokê-2006)

-بازگشت، نشر اتحادیه نویسندگان کرد در دهوک، سال ۲۰۰۶

19-Mahmud Baksî

۱۹-محمود باکسی

I. Hêlîn (Immigrant – institutet-1984)

-لانه، نشر ایمیگران، انستیتوت، سال ۱۹۸۴

II. Gundikê Dono (Orfeus-1988)

-روستای کوچک دونو، نشر اورفیوس، سال ۱۹۸۸

III. Lawikê Xerzî (Nûdem-2000)

-پسرک اهل خرزی، نشر نودم(عصر نو)، سال ۲۰۰۰

IV. Serhildana Mala Eliyê Ênis (Weşanên Azadiya Welat- 2001)

-قیام خانه علی پسر یونس، نشر آزادیا ولات (آزادی میهن)، سال

۲۰۰۰

بجز محمد اوزون و محمود باکسی که به رحمت ایزدی پیوسته اند، آثار باوه نازه و شاهین بکر سورکلی در کنار داستان نویسی، کار خود را در حوزه رمان نیز ادامه دادند. بدین خاطر، اسم آنها را نیز به اسامی آن دوره اضافه نمودیم. همچنین، نه به نام نوری شمیدین و نه به نام بریندار هیچ رمانی منتشر نشد.

ویژگی های این مرحله در پیشرفت رمان کردی

-رمان کردی از مرحله ای که همانند ابزاری شدن سیاست وارد میدان ادبی شد. به هر شکلی به سوی استقلال رفت. از دست موضوعات سیاسی و زندگینامه نویسی شخصیت های تاریخی خود را رها کرده و وارد میدان اجتماعی و روانی کردها شد. محتوای خود را از سیاست به سمت رنگین بودن زندگی برد.

-از لحاظ تکنیکی و تار و پود رمان، تفاوت و بهره مندی از تکنیک رمان مدرن زبان های دیگر به تدریج مطرح شد.

-بیشتر نویسندگان این مرحله تلاش کردند تا قربانیان سیاست دولت نشوند و همچنین ابزار تبلیغات سیاسی کردها نباشند.

زبان رمان نیز به سمت و سوی اصالت زبانی و سطح بالاتر رفت و به تدریج توانست با یک کرمانجی استاندارد حرف بزند.

-هر چند که بعضی از این نویسندگان ادامه مرحله قبل از خود

نیز باشند، بعضی های دیگر در مرحله شرکت فعال داشتند که پس از

مرحله قبلی آمد. این مورد، راه را کاملاً بر کسانی بست که رمان کردی را نمی دیدند. رمان کردی به یک واقعیت ادبیات کردی تبدیل شد که ارزش ارزیابی، نقد و تعیین سطوح جدا و متفاوت را دارد.

رمان نویس های سال های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۰

برای نامگذاری یک نسل نمی توان آن را در ده سال محدود کرد. شاید تقسیم اسامی و آثار براساس زمان یا در محدوده ده سال، برای پیشبرد این پژوهش و شفاف نمودن موضوع کمک کند. اما برای نامگذاری نسل جدید رمان کرمانجی بایستی اسامی و آثار هر دو مرحله پایانی در کنار هم قرار گیرند:

1- Adil Zozanî

۱- عادل زوزانی

I. Kejê (Pêrî-2001)

-دختره مو قهوه ای، نشر پری، سال ۲۰۰۱

II. Mişextî (Lîs-2009)

-مهاجر، نشر لیس، سال ۲۰۰۹

2- Reşad Akgül

۲- رشاد آک گل

I. Veger (Rewşen - 2001)

-بازگشت، نشر روشن، سال ۲۰۰۱

II. Evdalkovî (Mezopotamya - 2004)

-اودال گوی (نام کوهی است)، نشر مزوپوتامیا (بین النهرین)، سال

۲۰۰۴

III. Nîqutî dilê min (weşanên Welat - 2010)

-یک حسی به من دست داد، نشر ولات(میهن)، سال ۲۰۱۰

3- Newroz Saîdpour

۳-نوروز سعیدپور

I.Viyan (Sî - 2002)

-اراداه، نشر سی(سایه)، سال ۲۰۰۲

4- Remezan Alan

۴-رمضان آلان

I.Saturn (Avesta - 2002)

-ساتورن(کیوان)، نشر اوستا، سال ۲۰۰۲

5- Mezher Bozan

۵-مظهر بوزان

I. Av Zelal Bû-I, II, III, IV (Pêrî-2002, 2004, 2006, 2008)

-آب زلال شد(نشر پری، سال های ۲۰۰۲، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶ و

(۲۰۰۸

II. Zarokên Me (Pêrî-2005)

-بچه های ما، نشر پری، سال ۲۰۰۵

III.Zêna (Nûbihar - 2007)

-زنا، نشر نوبهار، سال ۲۰۰۷

IV. Asim (Pêrî - 2007)

6- Torî

۶-توری(خام و ساده)

I. Mendik (Berfin - 2002)

-مندک(گياهی خوشبو که به پنير می زنند)، نشر برفين(از

جنس برف)، سال ٢٠٠٢

7- Kemal Orgun

٧-کمال اورگون

I. Li Qerexa Şevên Hîvron (Sî-2002)

-در کنار شب های مهتابی، نشر سی(سایه)، سال ٢٠٠٢

8- Omer Dilsoz

٨-عمر دلسوز

I. Hêviyên Birîndar (Aram-2003)

-امیدهای زخمی، نشر آرام، سال ٢٠٠٣

II. Bêhna Axê (Berçem-2005)

-بوی خاک، نشر برچم(لب رودخانه)، سال ٢٠٠٣

III.Neynika Dilî (Aram - 2009)

-آینه دل، نشر آرام، سال ٢٠٠٩

9- Jîr Dilovan

9-ژیر دلووان(زرنگ مهربان)

I. Zenga Zêrîn (Mezopotamya-2003)

-زنگ طلایی، نشر مزوپوتامیا(بین النهرین)، سال ٢٠٠٣

10- Menaf Osman

١٠-مناف عثمان

I. Girê Şêran "Serhildan" (Aram - 2003)

-تپه شیران، "قیام"، نشر آرام، سال ٢٠٠٣

11- Eyub Kiran

١١-ایوب کران

I. Dewrêşê Evdî (Mîr - 2003)

-درویش اودی، نشر میر(امیر)، سال ۲۰۰۳

II. Pilingê Serhedê (Elma - 2005)

-پلنگ سرحد، نشر الما، سال ۲۰۰۵

12- Jan Dost

۱۲-ژان دوست

I. Mijabad (Belkî - 2003)

-مه‌آباد، نشر بلکی(شاید)، سال ۲۰۰۳

II. 3Gav û 3Darek: Şeva Dawî di Jiyana Şêx Seîdê
Kal de (Avesta -2007)

-سه گام و دار اعدام، شب آخر در زندگی شیخ شعید پیر، نشر

اوستاف سال ۲۰۰۷

III. Mîrname (Avesta-2008)

-میرنامه، نشر اوستا، سال ۲۰۰۸(این اثر توسط طاهر آگور به

فارسی ترجمه و توسط انتشارات عموعلوی منتشر شده است. یک

رمان دیگر وی به نام "مارتین خوشبخت" توسط عبدالله آرغا و رمانی

به نام "کوبانی" نیز توسط جمال مشمایی ترجمه شده اند - مترجم).

13- Abbas Abbas

۱۳-عباس عباس

I. Xewnên Siyarî (Pêrî-2004)

-خواب های سواره، نشر پری، سال ۲۰۰۴

II. Şivanê Berxan (Pêrî-2004)

-چوپان بره ها، نشر پری، سال ۲۰۰۴

III. Dengbêjê Piçûk (Pêrî-2005)

-ترانه سرای کوچولو، نشر پری، سال ۲۰۰۵

IV. Helbestvan (Pêrî-2005)

-شاعر، نشر پری، سال ۲۰۰۵

V. Neviya liyayeki (Pêrî-2006)

-نوه دختری یک کوه، نشر پری، سال ۲۰۰۶

14- Mîran Janbar

۱۴-میران ژانبار

I. Ardûda (Lâs-2004)

-آردودا(دهنده هیزم)، نشر لیس، سال ۲۰۰۴

15- Riza Çolpan

۱۵-رضا چولپان(صحرای وسیع)

I. Serhatiyên Rustem û Nemerdiya Namerdan
(Veng-2004)

-سرگذشت رستم و نامردی نامردان، نشر ونگ(صدا)، سال

۲۰۰۴

16- Lokman Ayebe

۱۶-لقمان آیه

I. Jar Lê Sermest (Belkî - 2004)

-لاغر اما سرمست، نشر بلکی، سال ۲۰۰۴

II.Gava Heyatê (Belkî - 2007)

-زمان حیات، نشر بلکی، سال ۲۰۰۷

17- Mehdî Zana

۱۷-مهدی زانا

I. Ay Dayê (Tevn - 2005)

-ای مادر، نشر ته ون، سال ۲۰۰۵

18- Yaqob Tîlermenî

۱۸- یعقوب تیلرمنی

I. Kitim-Sêbareya Mêrdînê- I (Lîs - 2005)

-کِتم-رخداد سه باره ماردین، جلد-یک، نشر لیس، سال ۲۰۰۵

II. Qerebafon-Sêbareya Mêrdîn- II (Do - 2009)

-قره بافون، رخداد سه باره ماردین، جلد دوم، نشر دو(دیروز)،

سال ۲۰۰۹

III. Bavfileh-Sêbareya Mêrdînê- III (Do - 2009)

-فرد پدر ارمنی، رخداد سه باره ماردین، جلد سومف نشر

دو(دیروز)، سال ۲۰۰۹

19- Dilawer Zeraq

۱۹- دلاور زراق

I. Şevên Winda Wêneyên Meçhûl (Lîs - 2005)

-شب های گم شده، عکس های مجهول

20- Firat Cewerî

۲۰- فرات جَوَری

I. Payiza Dereng (Nûdem - 2005)

-پاییز دیرهنگام، نشر نودم، سال ۲۰۰۵

II. Ez ê Yekî Bikujim (Avesta - 2008)

-یکی را خواهم کشت، نشر اوستا، سال ۲۰۰۵

21- Atilla Barişer

۲۱- آتِیلا بارِیشر

I. Mandalîn (Elma - 2005)

-ماندالین، نشر الما، سال ۲۰۰۵

22- Sebrî Akbel

٢٢- صبرى آكبل

I. Evîna Pînhan (Nûbihar - 2006)

-عشق پنهان، نشر نوبهار، سال ٢٠٠٥

23- Diyar Bohtî

٢٣- ديار بوهتى

I. Gul Bîşkivîn (Mezopotamya - 2006)

-گل ها شکوفه دادند، نشر مزوپوتاميا، سال ٢٠٠٦

II. Mexmûr (Mezopotamya - 2007)

-مامور، نشر مزوپوتاميا، سال ٢٠٠٧

III. Soryaz (Do - 2008)

-گياه سريشك، نشر دو(ديروز)، سال ٢٠٠٨

24- Serkan Birûsk

٢٤- سرکان بروسك (سرچشمه صاعقه)

I. Sê Terîş (Apec-2006)

-سه باريكه زمين، نشر آپچ، سال ٢٠٠٦

25- Nesîb Tarim

٢٥- نصيب تاريم

I. Xezal (Belkî-2007)

-خزال(غزال)، نشر بلكى، سال ٢٠٠٧

26- Yunus Eroglu

٢٦- يونس اراوغلو

I. Nameyek ji Xwedê re (Lîs - 2007)

-نامه اى به خدا، نشر ليس، سال ٢٠٠٧

II. Otobêş (Lîs-2010)

-اتوبوس، نشر ليس، سال ٢٠١٠

27- Arîn Zîn

٢٧-آرین زین

I. Ez Stêrka Sîpan im (Berçem-2007)

-ستاره سیپان هستم، نشر برچم، سال ٢٠٠٧

28- Aram Gernas

٢٨-آرام گرناس

I.Toqa Lanetê (Doz-2007)

-طوق لعنت، نشر دوز، سال ٢٠٠٧

29- Îlhamî Sertkaya

٢٩-ایلهامی سرت کایا

I. Kîlama Sîlane (Pêrî - 2007)

-ترانه سیلانه، نشر پری، سال ٢٠٠٧

30- Îbrahîm Osman

٣٠-ابراهیم عثمان

I. Evîna Mêrxasekî (Lîs - 2008)

-عشق یک مرد شجاع، نشر لیس، سال ٢٠٠٨

31- Edîb Polat

٣١-ادیب پولات

I. Ristemê Zal (Evrensel - 2008)

-رستم زال، نشر اورنسل، سال ٢٠٠٨

32- Mîr Qasimlo

٣٢-میرقاسملو

I. Wêneyên Keserê (Pêrî - 2008)

-تصاویر غم و غصه، نشر پری، سال ٢٠٠٨

II.Giyanên Bahozi (Do - 2009)

-جان های گردبادی، نشر دوز، سال ٢٠٠٩

33- Şener Ozmen

٣٣-شهر اوزمن

I. Rojnivîska Spînoza (Lîs - 2008)

-یادداشت های اسپینوزا، نشر لیس، سال ٢٠٠٨

II. Pêşbaziya Îrokên Neqediyayî (Lîs-2010)

-مسابقه داستان های تمام نشده، نشر لیس، سال ٢٠١٠

34- Hesen Huseyin Deniz

٣٤-حسن حسین دنیز

I. Hêvî Herdem Heye (Do-2008)

-همیشه امید وجود دارد، نشر دو(دیروز)، سال ٢٠٠٨

35- Zarîfe Demir

٣٥-ظریفه دمیر

I. Kela Bilind (Apec - 2008)

-قلعه بلند، نشر آپچ، سال ٢٠٠٨

36- Alî Huseyn Kerîm

٣٦-علی حسین کریم

I. Şopa Rojên Bihurî (Rewşen-2008)

-جستجوی روزهای گذشته، نشر روشن، سال ٢٠٠٨

37- Rizaliyê Reşîd

٣٧-رزالیه رشید

I. Biharê Bihar nedît (Weşanên Han, Berlin-2008)

-بهار بهار را ندید، نشر هان(تشویق)، برلین، سال ٢٠٠٨

38- Hesenê Alê

٣٨-حسن آله

I. Sêwiyên Rojhilat (Stîl Offset - 2009)

-یتیم های شرق، نشر استیل افست، سال ۲۰۰۹

39 - Newaf Mîro

۳۹-نواف میرو

I. Keleşê Reş (Pêrî-2009)

-کلش سیاه

40- Cîhan Roj

۴۰-جهان روژ

I. Gîtara Bêtêl (Do - 2009)

-گیتار بی سیم

41- Abdullah Pertev Işik

۴۱-عبدالله پرتو ایشیک

I. Mirinên Bêwext (Astare-2009)

-مرگ های نابهنگام، نشر آستاره، سال ۲۰۰۹

42- Ozgur Kiyak

۴۲-اوزگور کیاک

I. Rêwiyên Bêwelat (Do - 2009)

-مسافران بی میهن، نشر دو(دیروز)، سال ۲۰۰۹

43- Fawaz Husên

۴۳-فواز حسین

I. Parîsabad (Avesta-2010)

-پاریس آباد، نشر اوستا، سال ۲۰۱۰

44- Enwer Karahan

۴۴-انور کاراهان

I. Şapînoz (Avesta-2010)

-شاپینوز، نشر اوستا، سال ۲۰۱۰

45- Arşevê Oksan

۴۵- آرشو اوکسان

I. Keştiya Penaberan (Do – 2010)

-کشتی پناهندگان، نشر دو(دیروز)، سال ۲۰۱۰

46-Hesen Huseyîn Denîz

۴۶-حسن حسین دنیز

I. Hêvî Her Dem Heye (Do-2010)

-همیشه امید وجود دارد، نشر دو(دیروز)، سال ۲۰۱۰

47- Gulgeş Deryaspî

۴۷-گلگش دریا سپی(گل شکفته دریای مدیترانه)

I.Tariya Bi Tav (Do-2010)

-تاریکی آفتابدار، نشر دو(دیروز)، سال ۲۰۱۰

48-Omer Dewran

۴۸-عمر دوران

I. Ê çiya jî dinalin (Lîs - 2010)

- وکوهها نیز می نالند، نشر لیس، سال ۲۰۱۰

49- Mihemed Ronahî

۴۹-محمد روناھی

I. Bendewarên Adarê (Ronahî-2010)

-منتظران ماه آدار، نشر روناھی، سال ۲۰۱۰

50- Eyub Guven

۵۰-ایوب گون

I. Kulmek Morîkên Şînbirik (Ronahî - 2010)

-مشتی مروارید های آبی براق، نشر روناھی، سال ۲۰۱۰

51- Omer Yaman

۵۱-عمر یامان

I. Karwanê Azadiyê (Weşanên Welat -2010) (27)

-کاروان آزادی، نشر ولات(میهن)، سال ۲۰۱۰

52-Yusuf Bilgiç

۵۲-یوسف بیلگیچ

I. Evîna me welatê birîndar (Weşanên Han, Berlin-2010)

-عشق ما میهن زخمی، نشر هان(تشویق)، برلین، سال ۲۰۱۰

53-Abdusamet Yîgît

۵۳-عبدالصمد یگیت

I. Feqiyê Teyran (Weşanên Han, Berlin-2010, Çapa 2., çapa 1. ji layê Weşanên Sara hatiye weşandin.)

-فقی طیران، نشر هان، برلین، سال ۲۰۱۰، چاپ دوم. چاپ اول

توسط نشر سارا منتشر شده است.

54- Yilmaz Çamlıbel

۵۴-ییلماز چاملیبیل

I. Biro (2010 - Deng)

-برو(ابراهیم)، نشر ده نگ(صدا)، سال ۲۰۱۰

55- Mihemedê Seyid Hisên

۵۵-محمد سید حسین

I. Tava Mirinê (Brno, Komara çek, Trîbun, 2010)

-آفتاب مرگ، شهر برنو، جمهوری چک، نشر تریبون، سال

در بین هر دو مرحله گذشته، یک سری اسم نویسنده و آثار وجود دارند که در سال های پیش روی ما نیز بر روند رمان تاثیر خواهند گذاشت. سختی کار این نسل همراه با نبود حمایت، شرایط آن را به شرایط فرزندی نامشروع کرده است.

نسلی که با دسترنج فردی خود، به تنهایی و بدون "مطبوعات"، بدون تبلیغات، بدون ترجمه، بدون پول، بدون خواننده، بدون حامی باز پیشبردن ادبیات خود را بر دوش گرفته است. همچنین، ارتقای سطح یک زبان ممنوع را برای خود به دغدغه و وظیفه تبدیل کرده است.

چند نتیجه کلی:

- هر سال که می گذرد بر تعداد رمان نویس های کرد افزوده می شود. تعداد رمان نویس های هر مرحله ای که مورد بحث قرار دادیم نیز این را نشان می دهد. مشخص است که این تعداد در سال های آتی بیشتر نیز خواهد شد.

- افزایش تعداد آثار افزایش تکنیک، شیوه و روش های نوشتن را نیز با خود به همراه آورده است .

همه این رمان ها به فیلم و سریال تبدیل نشدند. تاکنون نیز فرصت پخش گسترده این رمان ها فراهم نشده است. هم از گستره بزرگ محروم مانده اند و هم نقد و اریابی ها گسترده. اگر چند مورد استثنا وجود داشته باشند، باز هم کم هستند. به عنوان مثال، شاید یک رمان نویس (خانم) در سطح همسر رئیس جمهور باشد تا رمانش

به فیلم تبدیل شود. در کردستان عراق با امکانات هیرو خانم دختر ابراهیم احمد و همسر جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان و رئیس جمهور رمان پدرش با عنوان "ژانی گه ل" (درد مردم) به فیلم تبدیل شد.

-همچنین می توان نبود زنان رمان نویس در کرمانجی، بجز یکی دو نفر، نیز نشانه ای از وضعیت بد جامعه کرد و روشنفکری آن است. -همراه با همه تحولات ناشی از اوضاع جدید جهان که پس از دهه نود صورت گرفت، با این که قلعه های ایدئولوژی و تفکر در سراسر جهان فروپاشید و اهمیت زبان و ادبیات برای هر ملتی علنی شد، باز هم نویسندگان کرد با تلاش های فردی و فردگریه خود تنها ماندند. رمان نویس های کرد نیز با رمان های خود که خوانده و فروخته نمی شوند، تنها ماندند.

منابع بخش اول

- ۱-رمان "چوپان کرمانج ها"، عرب شمو، آماده کننده مصطفی آیدوغان، نشر لیس، شهر آمد(دیاربکر)، سال ۲۰۰۹، ص ۴.
- ۲-رمان "پیشمرگه" ، رحیم قاضی، نشر نوودم، چاپ سوم، استکهلم، سال ۱۹۹۷، ص ۷.
- ۳-رمان "درد مردم"، ترجمه از سورانی به کرمانجی، علی شیر، نشر آپچه، استکهلم، سال ۱۹۹۲.
- ۴- "درد مردم": در مقدمه این رمان چنین نوشته شده است(نوشتن این رمان به سال ۱۹۵۶ برمی گردد اما آشفتگی زمانه چنان کرد که پس از ده یازده سال منتشر شود ... ص ۹، کمال فواد، در جنوب(کردستان)، مورخه ۱۹۹۲، ۲۱،۱۰، تبدیل به الفبای لاتینی از ترجمه علی شیر، نشر آپچه سال ۱۹۹۲).
- ۵-رمان "پیشمرگه" : این رمان در سال ۱۹۶۰ در ایروان، در سال ۱۹۶۲ در بغداد چاپ شد. در سال ۱۹۶۴ در باکو و به زبان آذری منتشر شد.(مقدمه چاپ کرمانجی با الفبای لاتینی، نشر نوودم، استکهلم، سال ۱۹۹۷، کرمانجی آن توسط ضیا آوجی).
- ۶-رمان "خاته خانم"، علی عبدالرحمان، نشر بلکی، سال ۲۰۰۴، استانبول، ص ۲.
- ۷-همان منبع، ص ۱.

شایسته گفتن است که روهاآت آلاکوم، پژوهشگر کرد، اطلاعاتی ویژه درباره "رمان علی عبدالرحمن" به دست من رسید. این اطلاعات بدین صورت است: "می گویند کتاب علی عبدالرحمن به نام (خاته خانم) رمان است اما این درست نیست. (خاته خانم) نام مجموعه ای از داستان است که کردهای شوروی سابق به آن سرهاتی(سرگذشت) می گویند. اصل کتاب از چهار داستان تشکیل شده است: ۱- زن کرد، ۲- موروف، ۳- بخت ان مرد، ۴- خوشبختی عمر. در داستان کوتاه اول در مورد خاته خانم بحث می شود. فکر می کنم به خاطر طولانی بودن داستان کوتاه اول (صفحه ۳ الی صفحه ۹۱) فردی که این داستان را برای بار اول به الغبای لاتینی تبدیل کرده و در ترکیه منتشر کرده، به عقیده خود آن را "رمان" دانسته است! چند سال پیش چاپ این کتاب را در ترکیه نیز دیدم و نویسنده کتاب را نیز به عنوان فردی آکادمسین "پروفیسور" معرفی کرده بودند! کتاب از این جهت نیز ناقص شده بود. علی عبدالرحمن نه به عنوان آکادمیسین بلکه به عنوان نویسنده معرفی شده است. "خاته خانم" کتاب اول وی در سال ۱۹۵۹ منتشر شده است. امیدوارم این یادداشت کوتاه برای شما مفید باشد".

۸-رمان "هه واری"، حاجی جندی، نشر لیس، چاپ سوم، آمد(دیاربکر)، سال ۲۰۰۸، صفحه ۴.

۹-رمان "چوپان کرمانج ها"، عربه شمو، آماده شده توسط مصطفی آیدوغان، نشر لیس، سال ۲۰۰۹، صفحه ۱۹.

۱۰- یک سری اطلاعات درباره نام و زمان نشر رمان ها که در این نوشته ها دیده می شوند، از فهرست رمان های کُرمَانجی نوشته ابراهیم سیدو آیدوغان گرفته شده اند. درباره بعضی رمان ها بحث می شود که زمان نشر آنها نامشخص اعلام شده است. به عنوان مثال، رمان " Evîna Bê Tîxûb عشق بی مرز" نوشته ی سیدای خلاتی.

۱۱- در دهه نود میلادی، یعنی بدترین دوره که روستاها به آتش کشیده می شدند، هر روز مردم کشته می شدند، قیام صورت می گرفت ... آقای محمد اوزون ۱۵هزار یورو به دولت ترکیه پول داد و علاوه بر آن برای دولت ترکیه سربازی نیز کرد. از خانواده وی نیز شهید وجود داشت، فلاکت های زیادی به سر کردها آمد. این موضع محمد اوزون به یک نمایش تبدیل شد و در کانال Med-TV اجرا شد.

Mahabad F.Arda: ji amidakurd.com/15 çile 2007.
[http://www.amidakurd.com/kevin/modulesc420.html?](http://www.amidakurd.com/kevin/modulesc420.html?name=Niviskar&op=viewarticle&artid=489)
[name=Niviskar&op=viewarticle&artid=489.](http://www.amidakurd.com/kevin/modulesc420.html?name=Niviskar&op=viewarticle&artid=489)

۱۲- به عنوان یک نکته در مورد رفتن محمد اوزون به سربازی ترکیه، قصد دارم این موضوع را روشن سازم. اگر محمد اوزون در ترکیه و یا در کردستان ترکیه می بود، بدون شک رفتن وی به سربازی نیز طوری دیگر ارزیابی می شد. یعنی این انتقاد را نمی توان از یک نویسنده کرد دیگر و بدین شکل کرد چون وقتی در وطن هستی بایستی به سربازی بروی. مسئله این است که از سوئد و با رضایت خود، راه خود را در پیش گرفته و به سربازی بروی چیزی دیگر است!

۱۳- کتاب planetK نوشته ی بیناله، سال ۲۰۰۹، ص ص ۳۰-

۲۳

18-19مجله W ، شماره ۱۳، زمستان ۲۰۰۷، ص ۹۱.

۲۰-رمان "روشن مانند عشق، تاریک مانند مرگ"، نشر اوستا،

سال ۱۹۹۸، صفحه ۳۵۱.

۲۱-مجله W ، شماره ۱۳، زمستان ۲۰۰۷، ص ۲۸.

۲۲-از روزنامه "آزادیا وه لات"، ۱۴،۱۰،۲۰۰۷،

<http://www.rojaciwan.com/haber-29086.html>

23-24-کتاب "بندنامه"، رمضان آلان، نشر اوستا، سال ۲۰۰۹،

ص ۱۴.

۲۵-از سایت آمیدا کورد:

<http://www.amidakurd.com/kevin/modulesc42>

0.html?

Name=Niviskar&op=viewarticle&artid=489

۲۵-نوشته مهباد اف. آردا از سایت آمیدا کورد 2007.۱۵ çile

۲۶-از روزنامه "آزادیا وه لات"، ۱۴،۱۰،۲۰۰۷،

<http://www.rojaciwan.com/haber-29086.html>

-۲۷

<http://www.diyarname.com/news.asp?Idx=4197>

نوشته ی جمیل اوغوز، سال ۲۰۱۰، "کتاب های کردی منتشره

امسال."

بخش دوم: سه مرحله رمان کُردی / تداوم رمان کُرمَنجی

برای آن که نمای رمان کُردی به صورت کامل شفاف شود، نیازمند اطلاعاتی درباره وضعیت رمان در بین کردهای شوروی سابق و کُرمَنج های کردستان ایران هستیم. همچنین رمان های منطقه بهدینان را بایستی بشناسیم تا بتوانیم نمایی کلی از رمان کُردی کُرمَنجی ایجاد کنیم. تلاش کردم تا اطلاعات مربوط به رمان ها از طرف خود رمان نویس ها ارائه گردد. بدون شک، این کار به دلیل نبود پژوهش های تخصصی ادبیات کُردی امروزه می باشد. از این رو، منبع اطلاعات مربوط به رمان های کُردی نوشته شده توسط کردهای شوروی سابق آقای عسگر بوییک می باشد. برای رمان های منطقه بهدینان نیز آقای تحسین ناوشکی و برای رمان کُرمَنجی کردستان ایران نیز آقای پرویز جهانی منابع بنده بوده اند.

رمان کُردی در کشورهای (عضو) شوروی سابق

تاریخ رمان کُردی در کشورهای شوروی سابق داستانی طولانی و پیچیده دارد. هم به الفبای کریلی و هم به الفبای لاتینی رمان منتشر شده اند. بعضی از آن رمان ها تاکنون به دست خوانندگان نرسیده اند. بعضی از آنها نیز به صورت دست نوشته در نزد صاحبان خود مانده اند

و نتوانسته اند منتشر شوند و بعضی های دیگر نیز به الفبای لاتینی چاپ و منتشر نشده اند. به خاطر این وضعیت، هر وقت درباره این رمان ها بحث می شود، به صورتی است که در چارچوب فرد بحث کننده محدود می ماند. این بار نیز چنین است. رمان هایی که در این پژوهش به آنها اشاره می شود، آنهایی هستند که از آنها باخبر هستیم. عسگر بوییک، نویسنده کرد، پیشرفت ادبیات کردی در ارمنستان را به سه مرحله تقسیم می کند:

۱- از سال ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۳۷

در این مرحله فرصت های زیادی به روی کردی باز شد و با الفباهای مختلف پیش رفت (با الفبای ارمنی و سپس نیز لاتینی). همچنین، تلاش های بزرگی علیه بیسوادی صورت گرفت. دبستان ها باز شدند، کتاب منتشر شد، روزنامه "ریا تزه" (راه تازه) انتشار خود را آغاز نمود، آموزشگاههای کردی باز شدند اما کارکنان کرد (لازم برای این نهادها) کم بودند.

۲- از سال ۱۹۳۷ تا سال ۱۹۵۵

در طی این سال ها مراکز کردی باز شدند. از سال ۱۹۳۷ تا سال ۱۹۴۷ تثاتر کردی دولت در روستای الاگز فعالیت می کرد. الفبای کریلی کردی (تنظیم شده توسط حجی جندی) به راه انداخته شد.

۳- از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۰

مراکز کُردی دوبار باز شدند. این بار، دیگر کادرهای کُرد زبان مسئولیت پیشبرد ادبی خود را بر عهده می گیرند. نیروی خلاقیت بزرگ شده است اما امکانات کم است. در این مرحله، آثر گرانبهایی به میدان می آیند.

رمان‌های نویسندگان کُرد کشورهای شوروی سابق

عبارتند از:

1-Erebê Şemo(Şamîlov)

۱-عربه شَمو(عربه شامیلوف)

I. Şivanê kurmanca, Rewan (Yêrêvan), neşira hukumatê, 1935, 155 rû.

-چوپان کُرمَنج ها، ایروان، نشر دولتی، سال ۱۹۳۵، ۱۵۵ صفحه.

II. Kurdê Elegezê, 1936

-یک کُرد اهل الگَز، سال ۱۹۳۶

III. Berbang, Yêrêvan, Haypethrat (Neşira Ermenistanê ya dewletê), 1958, 177 rû.

-سپیده دم، ایروان، هایپتِرات(نشر دولتی ارمنستان)، سال

۱۹۵۸، ۱۷۷ صفحه.

IV. Jiyana bextewar, Yêrêvan, Haypêthrat, 1959, 279 rû.

-زندگی خوشبخت، ایروان، نشر هایپتِرات، سال ۱۹۵۹، ۲۷۹

صفحه.

V. Dimdim, Yêrêvan, Weşenxana "Hayastan",
1966, 217 rû.

-دم دم، ايروان، نشر هايستان، سال ١٩٦٦، ٢١٧ صفحه.

VI. Berevok (Berbang, Jiyana Bextewar, Hopo),
Yêrêvan, Hayastan, 1969, 472 rû.

-مجموعه(سپيده دم، زندگي خوشبخت، هوپو)، ايروان، نشر

هايستان، سال ١٩٦٩، ٤٧٢ صفحه.

2-Heciyê Cindî

٢-حجي جندى

I. Hewarî, Yêrêvan, Hayastan, 1967.

-فرياد براي كمك، ايروان، نشر هايستان، سال ١٩٦٧.

Eliyê Evdirehman

٣-على عبدالرحمن

I. Xatê, Yêrêvan, weşanxaneyê Haypêthrâtê -
1959, Belkî - 2004

-خاته(خانم)، ايروان، نشر هايپترات، سال ١٩٥٩، نشر بلكى سال

٢٠٠٤.

II. Gundê Mêrxasa, Yêrêvan, Weşenxana
Hayastan 1968, 217 rû

-روستاي رادمردان، ايروان، نشر هايستان، سال ١٩٦٨، ٢١٧

صفحه.

III.Şerr fîyada, Yêrêvan, Weşenxana Sovetakan
"GroX" 1989

-جنگ ليادا، ايروان، نشر سوٲٲكان "گروخ"، سال ١٩٨٩.

٤-سهيدي ايبو

I. Kurdê rêwî, Yêrêvan, Weşenxana Sovêtakan
"Grox" (Nivîskarê sovêtê) kitêba ewilîn, 1979, 109 rû

-کرد مسافر، ایروان، نشر سوتکان "گروخ" (نویسنده شوروی)
کتاب اول، سال ١٩٧٩، ١٠٩ صفحه.

5- Egîtê Xudo

٥- عگیدِ خودو

I. Dê û dêmarî, Yêrêvan, Weşenxana Sovetakan
"Grox" 1986

مادر و نامادری، ایروان، نشر سوتکان "گروخ"، سال ١٩٨٦.

6- Ahmedê Hepo

٦- احمد هپو

I. Birîn, Beku, Azerneşir, 1996.

زخم، باکو، نشر آذر نشر، سال ١٩٩٦

7- Eskerê Boyîk

٧- عسگر بوییک

I. Xezeba Xwedê, beşa ewilîn, Stembol,
Weşenên Deng, 2004, 425 rû.

-خشم خدا، جلد اول، استانبول، نشر "ده نگ" (صدا)، سال

٢٠٠٤، ٤٢٥ صفحه .

I. Xezeb, beşa duda, Stembol, Weşenên Deng,
2008, 327 rû.

-خشم (خدا)، جلد دوم، استانبول، نشر "ده نگ" (صدا)، سال

٢٠٠٨، ٣٢٧ صفحه.

8- Tosinê Reşîd

٨-توسنِ رشید

I. Mestûre (Serê wê hêjayî tacê bû), Aras, Hewlêr, 2005. – Weşanxaneyê Ronahî, Diyarbekir 2010

-مستوره(سرش شایسته تاج بود)، نشر آراس، اربیل، سال

٢٠٠٥-نشر "روناهی"(روشنایی)، دیاربکر، سال ٢٠١٠.

9- Ezîzê Gerdenzerî

-عزیز گردن زری

I. Fincana ferfûrî, Yêrêvan, Xorhrdain Grox- 1990 (bi tîpên kîrîlî)

-فنجان چینی، ایروان، نشر "خورهدرائن گروخ"- سال ١٩٩٠(با

القبای کریل).

II. Bingeh, Yêrêvan, weşanxana baruşevak - Parûyr Sevak - 1996 (bi tîpên kîrîlî)

-پایه، ایروان، نشر "باروش سواک-پارویر سواک"-١٩٩٦(با

القبای کریل).

10- Wezîrê Eşo

١٠-وزیر آشو

I. Pamp, Sîpan, Sovetakan Grox, 1986 (bi tîpên kîrîlî)

-پامپ،سیپان، نشر "سوتکان گروخ"، سال ١٩٨٦(با القبای

کریل).

همان طور که مشخص است نویسندگان این رمان ها همگی از

کردهای کشور شوروی سابق هستند و در آن کشور(در اصل در

ارمنستان) زندگی کرده اند و این آثار را خلق نموده اند. فقط احمد هَپو در آغاز ده هفتاد میلادی از ایروان به باکو آذربایجان رفت. نکته دیگر نیز این است که رمان "یک کرد اهل الگز" ادامه رمان "چوپان کرمانج ها" می باشد. در مورد انتشار آن از کتاب حجی جندی به نام "نگاهی به ادبیات کردهای ارمنستان" (به زبان ارمنی- سال ۱۹۷۰) بهره برده ام.

رمان منطقه بهدینان/بادینان

ویژگی منطقه بهدینان این است که هم بیشتر با الفبای عربی نوشته می شود و همچنین به گویش بهدینی که بخشی از لهجه کرمانجی است نوشته می شود. در آنجا گاهی آثاری با الفبای لاتینی نیز منتشر می شوند. من معتقدم که در روند پیشرفت رمان کردی کرمانجی، رمانی که در منطقه بهدینان نیز نوشته می شود، به این روند مرتبط است. تحسین ناوشکی برای مراحل که این رمان پشت سر گذاشته است توضیحاتی را چنین مطرح می کند:

می توانیم رمان هایی را که در منطقه بهدینان منتشر شده اند به این مراحل تقسیم کنیم.

۱-مرحله قبل از قیام:

هنگامی که مردم منطقه بهدینان همانند مناطق دیگر در زیر سلطه دیکتاتوری صدام می نالید، این واقعیت تلخ به یک مصیبت خوب تبدیل شد تا شاعران و ادیبان ما بیانی وجدانی از آن انجام

دهند. اما به خاطر ناآرام بودن اوضاع، بیشتر ادیبان ما بیان را با شعر و داستان انجام کردند. فقط رمان در آن دوره قوی نبود و اگر چند سرگذشت نیز وجود داشته باشند، نویسندگان با جرات می توانستند هدف اصلی دل خود را بیان کنند ... درست است که رمان ما در آن دوره نوزاد بود اما رویکرد نیز به آسانی تغییر نمی کرد تا به صورت مستقیم از ستم و زورگویی انتقاد شود.

۲- مرحله پس از قیام سال ۱۹۹۱:

در این مرحله نیز اوضاع آرام نبود. درست است، موضوعات تغییر یافتند. از مرحله مقاومت به سوی مرحله جدید آزادی و انتقاد از اشتباهات رفت اما به مرحله ای نرسید که رمان بیشتر از ژانرهای دیگر ادبی نقش خود را ایفا کند، به ویژه پس از آن که اوضاع به سمت جنگ برادرکشی و خانه خرابی پیش رفت. رمان در تعدادی بسیار کم چاپ شد و شاید هم از یک مورد هم بیشتر نبوده باشد. بدین خاطر، میدان ادبیات بیشتر برای شعر و داستان ماند و ساختار رمان معاصر هنوز هم نوزاد بود.

۳- مرحله قبل از سقوط مجسمه دیکتاتور عراق:

در این مرحله، جنگ برادرکشی تضعیف می شد. آغاز تزلزل ماندن دیکتاتور بغداد، روح آزادی را در میان مردم ایجاد کرد و به امید فروپاشی این دیکتاتوری این روحیه گسترش یافت. در اینجا،

اوضاع بر وفق مراد رمان بود اما رمان کم چاپ شد و خیلی از رمان‌ها نیز به صورت دست‌نوشته ماندند. پس از آن، تعدادی چاپ شدند و تعدادی نیز هنوز مانده‌اند و به چاپ نرسیده‌اند.

۴- مرحله پس از سقوط دیکتاتور عراق:

می‌توانم بگویم این مرحله طلایی پیشرفت رمان منطقه به‌دینان بود. در این مرحله، آرامش حاکم شد، جنگ برادرکشی نماند، تزئینی به نام دموکراسی و جامعه مدنی به میدان آمد. اوضاع تغییر یافت و مردم بوی آزادی را استشمام کرد و بیشتر رمان‌های به‌دینان از سال ۲۰۰۴ به بعد و پس از سقوط مجسمه صدام حسین در ۰۹،۰۴،۲۰۰۳ چاپ شدند.

در منطقه تحولاتی ایجاد شد. اما به نظر من هنوز آن زمان نرسیده است که بتوانیم مرحله "پنجم" رمان منطقه به‌دینان را بنویسیم، چون رمان‌نویس‌های ما هنوز همان‌ها هستند و به محل خود وابسته‌اند و در منطقه از این‌متون به نام رمان نقد و انتقاد صورت نگرفته است تا ارزیابی شود آیا این‌متون رمان هستند یا چیزی دیگر.

همچنین، جنبش ترجمه در نزد ما وجود نداشت تا بیگانگان رمان‌های ما را بخوانند. بجز مانع بزرگ مبنی بر این‌که ما خودمان نمی‌توانیم رمان‌های همدیگر را بخوانیم، به خاطر اوضاع تکه پاره شدن کردستان که هر بخش به یک الفبا می‌نویسد نیز می‌باشد.

فهرست اسامی:

1- Kerîm Biyanî

١- کریم بیانی

I. Deravê teng, Bexda, çapxaneyaya dar-el hurri'yê-
1988

-تنگه آبی تنگ، بغداد، چاپخانه دارالحریه، سال ١٩٨٨.

2- Nafî Akreyî

٢- نافى آكره ايبى

I. Bohijîn, Hewlêr, çapxaneyaya rewşenbîrî û
lawan-1989

-نابودى (١)، اربيل، چاپخانه روشنبيرى و لاوان، سال ١٩٨٨.

II. Bohijîn (beşa duyem), Bexda, dar-el hurri'ye -
2000

-نابودى (٢)، (بخش دوم)، بغداد، چاپخانه دارالحریه، سال ٢٠٠٠.

3- Enwer Mihemed Tahir

٣- انور محمد طاهر

I. Geryan li babê berze, Hewlêr, çapxaneyaya Aras-
2001

-دنبال پدر قد بلند گشتن، اربيل، چاپخانه آراس، سال ٢٠٠١.

4- Nacî Taha Berwarî

٤- ناجى طاهى بروارى

I. Ew aşê derav lê wergeray, Duhok, çapxaneyaya
Hawar-2002

-آن آسايى كه تنگه آبش قطع شد ، دهوك، چاپخانه هاوار،

سال ٢٠٠٢.

5- Hesên Silêvany

٥-حسن سلوانی

I. Gulistan û şev, Duhok, çapxaneyā şeriye- 1996
(latînî)

-گلستان و شب، دهوک، چاپخانه شریه، سال ١٩٩٦ (با الفبای

لاتینی).

6- Sebrî Silêvaneş

٦-صبری سلوانی

I. Ava mezin, Silêmanî, çapxaneyā renc, 2004
(latînî)

-آب بزرگ، سلیمانیه، چاپخانه رنج، سال ٢٠٠٤ (با الفبای

لاتینی).

II. Bîst sal û êvarek, Duhok, Hawar – 2005

-بیست سال و یک شب، دهوک، نشر هاوار، سال ٢٠٠٥.

III. Mêrem, Duhok, Hawar-2007

-مریم، دهوک، نشر هاوار، سال ٢٠٠٧.

IV. Sîfra Silîvî, Duhok, Hawar – 2010

-سفره سلیوی، دهوک، نشر هاوار، سال ٢٠١٠.

7- Sidqî Hîrorî

٧-صدیق هروری

I. Kurê zinarê serbilind, Hewlêr, Aras-2008
(latînî-erebî)

Nûdem, Stockholm, 1996

-پسر تخته سنگ سربلند، اربیل، نشر آراس، سال ٢٠٠٨ (با

الفبای لاتینی و عربی).

II. Evîn û şewat, Hewlêr, Aras-2008 (latînî-erebî)

Nûdem, Stockholm, 1998

-عشق و سوز، اربیل، نشر آراس، سال ٢٠٠٨ (با الفبای لاتینی و

عربی).

III. Ez û delal, Hewlêr, Aras-2008 (latînî-erebî)

Doz, Stenbol-2007

-من و عزیزم، اربیل، نشر آراس، سال ٢٠٠٨ (با الفبای لاتینی و

عربی).

8-Bilind Mihemed

٨-بلند محمد

I. Sotingeh, Duhok, Hawar-2005

-آتشدان، دهوک، نشر هاوار، سال ٢٠٠٥.

9- Mihemed Selîm Siwarî

٩-محمد سلیم سواری

I. Gund, çapxaneya Hawar, Duhok – 2005

-روستا، چاپخانه هاوار، دهوک، سال ٢٠٠٥.

10- Muhsin Ebdulrehman

١٠-محسن عبدالرحمن

I. Viyan di demekî jandar da, Duhok, Hawar-
2005

-اراده در زمانی دردناک، دهوک، نشر هاوار، سال ٢٠٠٥.

II. Baxore, Duhok, Hawar – 2009

-باخوره، دهوک، نشر هاوار، سال ٢٠٠٩.

III. Warê rondika, Bexda, çapxaneya elhewar –
2010

-سرزمین اشک ها، بغداد، نشر الحوار، سال ٢٠١٠.

11- Tehsîn Navîşkî

۱۱-تحسین ناوشکی

I. Janên sînahiyê, Duhok, Hawar - 2005

-دردهای انقلاب، دهوک، نشر هاوار، سال ۲۰۰۳.

II. Çavê sîtavkê, Duhok, Hawar - 2007

-چشم سایه آفتاب، دهوک، نشر هاوار، سال ۲۰۰۵.

III. Dewleta daristanê, Duhok, çapxaneya Xanî-2008

-دولت جنگل، دهوک، نشر خانی، سال ۲۰۰۸.

IV. Pel û xulî, Hewlêr, çapxaneya wezaretê roşenbîrî û lawan – 2009

-برگ و خاک، اربیل، نشر وزارت روشنفکری و جوانان، سال

۲۰۰۹.

V. Alê dî yê pirê, Duhok, Hawar – 2010

-آن سوی پل، دهوک، نشر هاوار، سال ۲۰۱۰.

12- Ismet Mihemed Bedel

۱۲-عصمت محمد بدل

I. Dawiya şervanekî, Duhok, hawar – 2005

-پایان یک جنگجو، دهوک، نشر هاوار، سال ۲۰۰۵.

13- Hesên bîrahîm

۱۳-حسن ابراهیم

I. Dozexa spî, Duhok, Zana - 2004

-دوزخ سفید، دهوک، نشر زانا، سال ۲۰۰۴.

II. Şevên prag, Duhok, Hawar - 2008

-شب های پراگ، دهوک، نشر هاوار، سال ۲۰۰۸.

III. Memo kew berda, Kerkûk, çapxaneya şehîd
azad Hewramî – 2008

-مَمو کبک را آزاد کرد، کرکوک، نشر شهید آزاد هورامی، سال

٢٠٠٨.

IV. Şevên sar, Duhok, Hawar – 2006

-شب های سرد، دهوک، نشر هاوار، سال ٢٠٠٦.

V. Evîn û enfal, Duhok, Hawar – 2010

-عشق و انفال، دهوک، نشر هاوار، سال ٢٠١٠.

VI. Xeca berlînê, Silêmanî, Weşana taybet–2010

-خدیجه برلین، سلیمانیه، نشر خصوصیف سال ٢٠١٠.

14-Yonis Ehmed

١٤-یونس احمد

I. Spêdeka dî, Duhok, çapxaneya Zana–2005

-سپیده دیگر، دهوک، نشر زانا، سال ٢٠٠٥.

15-Hizirvan

١٥-هزروان

I. Hêlên sor, Duhok, Zana - 2004

-خطوط قرمز، دهوک، نشر زانا، سال ٢٠٠٤.

16- Sidîq Hamid

١٦-صدیق حامد

I. Kumêdê gewir, Duhok, Hawar – 2009

-اسب چابک خاکستری، دهوک، نشر هاوار، سال ٢٠٠٩.

17-Kovan Sindî

١٧-کوان سندی

I. Rojên îtûn, Duhok, Zana – 2007 (Latînî)

-روزهای ایتون، دهوک، نشر زانا، سال ۲۰۰۷ (با الفبای لاتینی).

II. Nalînên Peravan, Berlin, Weşanên Han - 2010
(Latîni)

-ناله های سواحل، برلین، نشر هان، سال ۲۰۱۰ (با الفبای

لاتینی).

18- Jaro Duhokî

۱۸- ژارو دهوکی

I. Palê pîşî, Duhok, çapxaneyê şeriye-2001

-تپه جلویی دهوک، نشر شریه، سال ۲۰۰۱.

19-Seîd Elhac Sedîq Zaxoyî

سعید الحاج صدیق زاخویی

I. Perîxan, Duhok, çapxaneyê Xanî-2010

-پریخان، دهوک، نشر خانی، سال ۲۰۱۰.

رمان کرم‌انجی در کردستان ایران

1-Perwîz Cîhanî

پرویز جهانی

I. Bilîcan, weşanxaneyê Doz-Stenbol - 2002

-بلیجان، انتشارات "دوز"، استانبول، سال ۲۰۰۲

پرویز جهانی درباره سوال من راجع به رمان کرم‌انجی در

کردستان ایران چنین پاسخ داده است: متأسفانه نوشتن به کرم‌انجی

در بین کرم‌انجی‌های ایران آن‌طور که لازم بود رشد نکرد. نوشتن به

کرم‌انجی پس از سرنگونی رژیم شاه، از طریق چند مجله و نشریه آغاز

شد که یکی از آن مجلات مجله "سروه" بود. اما تاکنون و تا آنجایی که بنده اطلاع دارم، بجز "بلیجان" هیچ رمانی در بین کرمانج‌های ایران منتشر نشده است. درست است که رمان "بلیجان" در ایران نوشته شده است اما برای بار اول در استانبول منتشر شده است. به طور خلاصه، تا آنجایی که بنده مطلع هستم، "بلیجان" تا این لحظه تنها رمان کرمانجی است که در شرق نوشته شده است. (یوسف شجاعی نیز رمانی به نام (Hawara Agiriyê li Miştenûrê Dipişkive) "فریاد آزارات در کوه مشتور شکوفه می‌دهد" دارد که در سال ۱۳۹۶ تمام کرده است - مترجم).

در اینجا، گستره نمای رمان کرمانجی منطق به‌دینان را پشت سر می‌گذاریم و برای این که بتوانیم نمای کلی رمان کردی تا سال ۲۰۱۰ را بدست بیاوریم، به پژوهش‌های صورت گرفته بر رمان‌هایی نیاز داریم که به لهجه‌های دیگر کردی نوشته شده‌اند. در این چارچوب، همه تلاش‌های من برای آماده کردن نمایی گسترده‌تر از رمان به کرمانجی جنوب یا همان سورانی نتیجه نداد. یعنی نویسنده‌ای که را پیدا نکردم. امیدوارم پس از انتشار این کتاب تحقیقی مشابه به سورانی نیز انجام شود تا نمایی کلی از رمان خود از آغاز تاکنون را به علاقمندان، خوانندگان و پژوهشگران ادبیات کردی ارائه دهیم. برعکس مورد سورانی، روشن‌ل‌زگین نویسنده کرد، نمای رمان کردکی (یا همان زازاکی) را برای ما چنین معرفی کرده است:

رمان کُردی کُردکی/زازاکی

همان طور که می دانیم کُردی به پنج لهجه تقسیم می‌گردد: کُرمَنجی (یا همان کُرداسکی، بهدینانی)، کُردکی (یا همان زازاکی، کُرمَنجکی، دملکی)، سورانی (مکری)، هورامی (گورانی) و لری. در بین این لهجه ها، زازاکی دیرتر از همه در نوشتار بکار رفته است. اما اگر امروزه بحث لهجه های استاندارد کُردی مطرح شود، می توان پس از کُرمَنجی و سورانی به زازاکی اشاره نماید. چون در این ده یا پانزده سال اخیر این لهجه مشکلات نوشتاری خود را در مجموع و با ثبات حل کرده است. با آماده کردن مواد نوشتاری اساسی مانند کتاب برای درست نویسی و فرهنگ لغت ها راه برای زازاکی باز شده است. اما در بین این زازاها هنوز هم خیلی افراد وجود دارند که باور نمی‌کنند که می توان به کُردکی/زازاکی نیز نوشت. یعنی وقتی نمونه ای نوشتاری از یک زبان در دست نباشد، نمی توان جرات کرد به آن زبان بنویسد.

اگر کُرمَنجی و کُردکی را از این جهت با هم مقایسه کنیم و متن ملا محمود بایزیدی را به حساب نیاوریم، بین آغاز نثر کُرمَنجی و کُردکی کمتر از پنجاه سال وجود دارد. این مدت کمی نیست. یکی از علل کم بودن آثار به کُردکی نیز این است که جمعیت زازاها نسبت به کُرمَنجی ها خیلی کم است. یک بی شانس بودن دیگر نیز این است که کُردهای زازا فقط در مرزهای اداری ترکیه وجود دارند. مثلاً وقتی در ترکیه زبان کُردی ممنوع بود حداقل در قاهره، قفقاز، شام، بیروت و حتی در بسیاری از مناطق به کُرمَنجی می نوشتند. بدین ترتیب اگر

همزمان نیز نباشد، حداقل کرمانج‌ها در مرزهای اداری ترکیه خود را به این آثار رساندند و یا از آنها مطلع شدند.

ادبیات مدرن کرمانجکی/زازاکی در سال ۱۹۷۹ با انتشار مجله "تیرژ" (تشعشع) شروع شد. مجله "تیرژ" اولین مجله کاملاً کردی است که در ترکیه و در شهر ازمیر منتشر شد. مجله "تیرژ" به هر دو لهجه شمال یعنی کرمانجی و کردکی منتشر می‌شد. مثال: ۶۳ صفحه بود، ۱۹ صفحه به کردکی و ۳۸ صفحه به کرمانجی، شماره دوم، ۲۷ صفحه به کردکی و ۴۸ صفحه به کرمانجی، شماره سوم ۸۱ صفحه است، ۴۴ صفحه به کردکی و ۳۳ صفحه به کرمانجی، شماره چهارم ۱۱۱ صفحه است، ۴۰ صفحه به کردکی و ۶۹ صفحه به کرمانجی است.

ادبیات نثر کردکی برای اولین بار در این مجله منتشر شد. اما پس از آن که سه شماره از این مجله منتشر شد، دسته کودتای نظامی روز ۱۲ ایلول ۱۹۸۰ حکومت را به دست گرفت و ادبیات کردکی نیز همانند هر فعالیت کردی انگار که با چاقویی آن را ببرند، قطع شد و متوقف گشت.

بار دوم متن کردکی در نشریه "روزنامه" منتشر شد. "روزنامه" روز ۲۸ ماه کانون سال ۱۹۹۱ در استانبول منتشر شد. پس از انتشار این روزنامه در شهرهای بزرگ ترکیه، مجلات و روزنامه‌های کردی منتشر شدند. در این مجلات و روزنامه‌ها یک نثر خیلی ساده لوحانه کردکی منتشر می‌شد.

در اروپا نیز، در سوئد در مجله "چرا" (چراغ) در سال ۱۹۹۵ متون ادبی کردکی منتشر شدند. اما پیشرفت نثر کردکی در اصل با مجله "واته‌یی" صورت گرفت که در سال ۱۹۹۶ شروع به نشر کرد. به عنوان مثال، همه داستان نویس ها و هر چهار رمان نویس کردکی خواننده و یا نویسندگان این مجله هستند.

اگر به تم و موضوع هر پنج رمان کردکی نگاه کنیم، نسبت به رمان های کُرم‌انجی آموزش، تبلیغات یا پیام های تفکر سیاسی نویسندگان در رمان وجود ندارد. رمان اول "Kilama Pepûgi" (ترانه هدهد) که در سال ۲۰۰ منتشر شد، رخدادهای سال های ۱۹۱۵ از طرف هواداران "اتحاد و ترقی" مبنی بر قتل عام ارمنی ها را مطرح می کند. در اصل موضوع رمان کمی درهم است. خواننده فکر می کند که گویی خیلی از داستان های طولانی و درهم را در یک کتاب جمع کرده اند. اما زمان همان زمان پس از سال های ۱۹۱۵ است. همچنین، در رمان دوم "دنیز گوندوزی" به نام "سورو" (آقا قرمز) که در سال ۲۰۱۰ منتشر شده است، همان مشکلات بافت را بلافاصله از خود را نشان می دهند. در رمان "سورو" آغاز جنگ مسلحانه موضوع رمان است که بین جنگجویان کرد و ارتش ترک شروع شد اما باز هم خواننده فکر می کند که خیلی از داستان های طولانی کنار هم گذاشته شده اند، گاهی خواننده در به هم ربط دادن رخدادهای خیلی سختی می کشد و یا در یافتن ارتباط بین آنها اذیت می شود. مکان رخدادهای رمان نیز روستا ها و جاهای خارج از

شهرهاست، از این رو زبان هر دو رمان خیلی غنی هستند. چون زبان کردی (همه لهجه ها) در مجموع زبان روستاهاست.

موضوع رمان Munzur çemî Gula çemê Pêrre نیز قبل از آغاز جنگ مسلحانه بین کردها و ارتش ترکیه شروع شد. اما رمان بدون این که موضوع خود را پراکنده سازد، به مهاجرت خانواده های روستایی کردی نگاه می کند. در این رمان، قهرمان اصلی مشخص نیست اما خیلی از شخصیت های رمان تا آخر وجود دارند. در مجموع، زندگی خانواده ها در استانبول حالات روحی آنها خوب بیان شده است.

رمان ایلهامی سرتکایا به نام "ترانه شیلان" نمی دانم موضوع آن چیست. اما اضافه نمایم که این رمان نویس هر سه کردهای علوی هستند.

نویسنده رمان (Suxfêra Derî) Zifqêra Berî یعنی ژهاتی زنگلان سنی شافعی است. این یک رمان عاشقانه است. واقعیت این که این یک موضوع جالب توجه است: یک عشق ممنوع که بین یک مرد جوان کرد و یک زن جوان آمریکایی را مطرح می کند. هر دو نیز متاهل هستند. آنها برای یادگیری زبان آلمانی در چارچوب یک برنامه در یک شهر دارای جنگل در آلمان در یک متل در کلاس آموزش آلمانی شرکت می کنند. در آنجا عاشق هم می شوند. نویسنده با مونولوگ ها گاهی زن را گاهی مرد را خود به خود به حرف می آورد، عشق هر دو عاشق را لحظه به لحظه تعقیب می کند. نویسنده در به تصویر کشاندن شهوت خیلی راحت است، خود موضوع نیز جالب توجه

است. اما نویسنده خیلی از موارد روایت های زن و مرد را درهم می‌نویسد و خواننده نمی‌فهمد چه کسی صحبت می‌کند. مشکل دیگر نیز این است که خیلی از احساس ها، خواسته ها و تصاویر همانند همدیگر هستند. وقتی صفحه ای از این رمان را می‌خوانیم، می‌گویید انگار که آنها را قبلا نیز خوانده است. در مجموع این رمان رنگ و بوی سرگذشت را می‌دهد. در اصل نویسنده بایستی خودش را در آن رخدادها هضم می‌کرد و گم می‌کرد... آخر این که موضوع این چهار رمان کردکی از انعکاس های سیاسی به دور است. در هیچ جا نویسندگان پیام سیاسی نمی‌دهد، فقط به مسئله خود نگاه می‌کنند. در اصل این ویژگی در سراسر ادبیات نثر کردکی واضح است. شاید رمان های کردکی مشکلات زیباشناختی نیز داشته باشند اما در داستان و در رمان نیز نویسندگان زازا خود را از موضوعات سیاسی خوب دور نگه می‌دارند یعنی ادبیات را برای فکر سیاسی و ایدئولوژیک خود به بهانه ای تبدیل نمی‌کنند.

رمان کردکی (زازاکی):

1- Deniz Gunduz

۱- دنیز گوندوز

I. Kilama Pepûgî, Vartan, Enqere, 2000, 536 rû.

-ترانه هدهد، وارتان، آنکارا، سال ۲۰۰۰، ۵۳۶ صفحه.

II. Soro, Weşanxaneyê Vateyî, Stenbol, 2010, 525

rû.

-آقا قرمزه، نشر "واته یی"، استانبول، سال ۲۰۱۰، ۵۲۵ صفحه.

2) Munzur lem

۲-مونزور لَم

I. Gula çemê Pêrre, Weşanxaneyê Vateyî, Stenbol, 2007, 538 rû.

-گل رود پره، نشر "واته یی"، استانبول، سال ۲۰۰۷، ۵۳۸

صفحه.

3) Îlhamî Sertkaya

-ایلهامی سرتکایا

I. Kilama Şilane, Weşanên Pêrî, Stenbol, 2007, 144 rû.

ترانه نسترن کوهی، نشر "پری"، استانبول، سال ۲۰۰۷، ۱۴۴

صفحه.

4) Jêhatî Zengelan

-ژهاتی زنگلان

I. Zîfqêra Berî, Weşanxaneyê Vateyî, Stenbol, 2009, 190 rû.

-زفقرا بری، نشر "واته یی"، استانبول، سال ۲۰۰۹، ۱۹۰ صفحه.

همین قدر باید بگوییم، قایق های رمان کردی که مدتی پیش در بین امواج سیاست خم می شدند و این طرف و آن طرف می رفتند، امروز به سوی دریای بزرگ نوآوری و خلاقیت حرکت می کنند. دیگر نه ممنوعیت، نه ذهنیت مضر و خاردار نمی توانند جلوی این جنبش مدرن و فعال ادبیات کردی در کل و رمان کردی به ویژه بگیرند.

Romana kurdî (Kurmancî)

Helîm Yûsiv

Wergêr: Elî Paksirêşt